

نگرانی یونسکو از نابودی آثار باستانی افغانستان در بامیان موزیم ساخته می‌شود



یونسکو تلاش می‌کند تا آثار باستانی و تاریخی شهر بامیان حفظ و در موزیمی که قرار است ساخته شود، به نمایش گذاشته شود. سازمان جهانی یونسکو فراخوانی را به منظور ساخت موزیم شهر بامیان افغانستان صادر کرده بود که هزار و هفتاد طرح معماری به دبیرخانه این فراخوان رسید و پس از انجام داوری این طرح‌ها، طرحی که متعلق به مهندسان ارجمندی بود پذیرفته شد. نماینده یونسکو در افغانستان می‌گوید: یونسکو تلاش می‌کند تا آثار باستانی و تاریخی بامیان حفظ و در این موزیم به نمایش گذاشته شود. صدها اثر تاریخی گران‌بها در یک دهه اخیر توسط باستان شناسان در بامیان کشف شده که در میان آنها ده‌ها سر مجسمه‌های کوچک بودا، کوزه‌های گلی و سکه‌های فلزی که از لحاظ تاریخی و قیمتی بسیار گرانبها هستند وجود دارد. پیش از این کشور جاپان همکاری‌های گسترده‌ای با یونسکو برای حفظ و جلوگیری از تخریب بیشتر مجسمه‌های بامیان داشت. سازمان یونسکو اعلام کرد که نامی‌ها در افغانستان باعث شده تا آثار باستانی این کشور در معرض نابودی قرار بگیرد.

در مراسم ارج‌گذاری به تفکر عدم تشدد:

بنیادگرایی ابزار کشورهای سلطه‌جو است

«آئیسوی دیورند سرزمین‌های اشغالی است»



صفحه ۶

«برکناری مسعود ترشوال پرسش برانگیز است»

ناحیه نوری

موسسات تحصیلات عالی خصوصی، باید از دست‌اندازی‌های قوم‌گرایان، زورگویان و کسانی که نگاه وارداتی دارند، مصون نگهداشته شود. این سخنان را مسعود ترشوال رییس پیشین موسسات تحصیلات عالی خصوصی، روز گذشته در نشستی که از سوی اتحادیه موسسات تحصیلات عالی خصوصی در پیوند به تقدیر از کارکردها و دست‌آوردهای او برگزار شده بود، عنوان کرد. مسعود ترشوال چند روز پیش به دلایل نامعلوم طی فرمانی از سوی رییس‌جمهور غنی از سمت‌اش کنار زده شد. یک منبع آگاه به روزنامه ماندگار گفت که مسعود ترشوال به دلیل نگاه قومی حکومت به موسسات تحصیلات عالی از سمتش کنار زده شده است. به

گفته منبع، او به دلیل این‌که به شماری از موسسات خصوصی غیر معیاری اجازه فعالیت نداده است، از سمتش کنار زده شد. اما ترشوال خود در این زمینه توضیحی نداده است. ترشوال گفت که رفتن ما از سمت موسسات تحصیلات عالی خصوصی به چهار محور مرتبط است: نخست این‌که هنوز هم معتقد هستیم که نهادهای وارداتی و جعلی به عنوان موسسات تحصیلات عالی خصوصی و بدون مجوز رسمی، از آدرس مکان‌های دیگر که با مجوز ما عرض وجود کرده، برای من قابل قبول نبوده و نیست. دوم این‌که یک‌هزار و پنجصد محصل نام نهاد که آدرس ندارند و یک نهاد فاقد مجوز که یک ورق هم در وزارت تحصیلات عالی ندارد، تا هزار سال دیگر برای من قابل قبول نخواهد بود.



ترشوال افزود: سوم این‌که موسسات تحصیلات عالی خصوصی‌یی که از آدرس حزب، زور و پول صحبت می‌کنند، برای من هنوز هم پذیرفتنی نیست. چهارم این‌که مخالف تبعیض میان موسسات تحصیلات عالی خصوصی و دولتی بودم و... ادامه صفحه ۶

امضای یک توافقنامه بی‌پیشینه میان کابل و اسلام‌آباد



افغانستان در یک اقدام بی‌پیشینه توافقنامه‌یی را با پاکستان امضا کرد که به اساس آن دانشجویان افغانی می‌توانند از بودجه دولت در یکی از دانشگاه‌های مشهور پاکستان درس بخوانند. این توافقنامه روز گذشته طی یک محفل کوچک امضا شد؛ اما اهمیت آن در روابط افغانستان و پاکستان بسیار بزرگ تلقی می‌گردد. جانان موسی‌زی، سفیر افغانستان در پاکستان تفاهم‌نامه‌یی را با مقامات دانشگاه علوم مدیریت لاهور که یکی از دانشگاه‌های برجسته پاکستان می‌باشد، امضا کرد. انتخاب یک دانشگاه پاکستانی برای میزبانی دانشجویان افغانی به خاطر ادامه تحصیلات عالی نمایانگر پیشرفت در روابط بین کابل و اسلام‌آباد می‌باشد، به ویژه پس از سال‌ها روابط پر از فراز و نشیب در جریان ریاست‌جمهوری حامد کرزی. افزایش همکاری روی مسایل امنیتی، اخیراً سبب تقویت روابط افغانستان و پاکستان شده است. جانان موسی‌زی، سفیر افغانستان در پاکستان می‌گوید که

کارتر در پایگاه قندهار: آموزش نیروهای افغان ماموریت کلیدی نظامیان امریکا است



وزیر دفاع جدید امریکا تاکید کرد که آموزش نیروهای امنیتی افغان اصلی‌ترین ماموریت نظامیان امریکایی پس از ۱۳ سال جنگ در این کشور است. به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، اشتون کارتر، وزیر دفاع جدید امریکا در دومین روز سفر خود به افغانستان از کابل، پایتخت،... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



رفاقت و قرابت پوقانه‌یی افغانستان و پاکستان



اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



انسان گم‌شده در امواج تکنولوژیک زمان



رولا غنی در امریکا بین اصلاح و احتیاط گام بر می‌دارد

علی پارسا

رفاقت و قرابت پوقانه‌یی

افغانستان و پاکستان



دومین سفر دیپلماتیک خود را پاکستان انتخاب کرد و در آنجا با بسیاری از رهبران سیاسی و اجتماعی‌یی که گمان می‌رود در روند صلح اثرگذارند، شخصاً دیدار کرد. با ارسال ۶ افسر اردوی ملی برای آموزش به اسلام‌آباد و به تعلق در آوردن درخواست تسلیحات سنگین از هند، او در این مدت به شکل مستمر، حسن نیت خود را نسبت به پاکستان به نمایش گذاشت. در نتیجه همین اقدامات هم بود که روابط پُرتنش پایان حکومت کرزی در این روزها به گرم‌ترین روابط سیاسی میان دو کشور در طول تاریخ روابط آن‌ها بدل شده است.

با همه این‌ها اما چنان‌که گفته شد، در کنار تحلیل اوضاع، باید به مولفه‌های اثرگذار بر روابط دو کشور هم توجه کرد و برای دست یافتن به تحلیلی واقع‌بینانه، آن‌ها را نیز مورد واکاوی قرار داد. با این پیش‌فرض، به نظر می‌رسد که از بدو تولد کشوری به نام پاکستان در سال ۱۹۴۷، دو مولفه اثرگذار در روابط میان این دو کشور همواره موجود بوده است که برای پاکستان بسیار حیاتی محسوب می‌شود. مولفه اول، به روابط ارضی و مرزی دو کشور و مناقشات آن‌ها بر سر دیورند باز می‌گردد و مولفه دوم، معطوف به رقابت‌ها و منازعات منطقه‌یی این کشور با هند است.

مقامات مسوول دو کشور بارها و بارها بر این دو مولفه اثرگذار بر روابط دو کشور و اختلاف‌نظرهای دو طرف تأکید کرده‌اند. حالا هم به نظر می‌رسد که مطالبات و خواسته‌ها همان هست که از ۶۰ سال پیش بر سر آن جنجال و کشمکش بوده است. هرچند از خواست پاکستان مبنی بر به رسمیت شناختن دیورند و پی‌گیری سیاست «عمق استراتژیک» در افغانستان برای مقابله با هند، در این روزها چیزی شنیده نمی‌شود، اما بدون شک همچنان بر سر میز سیاست‌مداران پاکستانی قرار دارد.

با این وصف به نظر می‌رسد که گرچه این روزها شاهد روابط گرم میان دو کشور هستیم، اما صورت‌مسأله همچنان در جای خود باقی‌ست و تا مقامات دو کشور به توافق جدی‌یی در این دو حوزه دست نیابند، این رفاقت‌ها و قرابت‌ها چیزی جز پوقانه‌های پوشالی و پُر از هوا نخواهد بود!

تجارب تلخ و ناامیدکننده، بایسته و شایسته آن است که به تحلیل اوضاع و واکاوی جدی‌تر مولفه‌های اثرگذار بر روابط دو کشور از یک‌سوی و پیش‌نیازهای روند صلح پرداخته شود.

این‌که چرا پاکستان پس از ۱۳ سال از عمر حکومت جدید، حالا دم از همکاری در راستای صلح و ثبات در افغانستان می‌زند، پرسشی‌ست که می‌تواند ما را به وادی مقصود نزدیک کند و زمینه تحلیل وضعیت پیش آمده را برای مان بیشتر فراهم کند. شکی نیست که چنین موضع جدیدی از سوی اسلام‌آباد، ریشه در منافع ملی از پیش تعریف‌شده آن‌ها دارد که با توجه به تغییر فضا و مقتضیات زمان، حالا در چهره دیگری ظاهر شده است. این شرایط جدید را به صورت عموم می‌توان در دو قالب «تحولات درونی پاکستان» و «تغییرات محیطی منطقه» صورت‌بندی کرد.

در بررسی مقوله نخست، گسترش اعتراضات درونی و نرخ رو به رشد ناامنی در این کشور، مهم‌ترین عاملی بوده که سبب شده دولت‌مردان اسلام‌آباد با پدیده تروریسم منطقه‌یی، منطقی‌تر مواجه کنند و در صدد تغییر قواعد بازی برآیند. حالا دیگر اسلام‌آباد به‌خوبی می‌داند که حمایت از تروریسم، دمیدن به آتشی‌ست که دیر یا زود دامن خود آن‌ها را هم می‌گیرد؛ چنان‌که حمله خونبار دو ماه پیش در یک مکتب در پیشاور به‌صراحت بر این قاعده تأکید می‌کند. از سوی دیگر، فشارهای سیاسی خارجی و جهت‌گیری افکار عمومی در سطح جهانی به سمت پاکستان به عنوان حامی اصلی تروریسم منطقه‌یی نیز بر بازیگران پاکستانی بی‌اثر نبوده است. در نتیجه همه این مولفه‌ها باید گفت که حالا دیگر جانب پاکستانی به این نتیجه رسیده که بازی با پره‌ای سوخته‌یی چون طالبان، حاصلی جز سوختن برای آن‌ها نخواهد داشت.

در عرصه منطقه‌یی هم به نظر می‌رسد که اوضاع کمی به نفع همگرایی منطقه‌یی میان دو کشور افغانستان و پاکستان رقم خورده است. با روی کار آمدن اشرف‌غنی و دکتر عبدالله در یک حکومت وحدت ملی، اوضاع مناسبات دو کشور هم نسبت به زمان حکومت سیزده‌ساله کرزی تغییر چشم‌گیری کرده است. اشرف‌غنی در این چند ماه نشان داده که به پاکستان توجه جدی‌یی دارد. او مقصد سومین سفر خارجی یا

به گفته چودری نثارعلی‌خان، وزیر داخله پاکستان، روابط میان افغانستان و پاکستان به‌طور بی‌سابقه‌یی بهبود یافته و اخیراً جهش چشم‌گیری در میزان اعتماد متقابل میان دو همسایه ایجاد شده است.

وزیر داخله پاکستان که برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی راه‌های مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی به واشنگتن سفر کرده، در کنفرانس مطبوعاتی مشترکی با جان کری وزیر امور خارجه آمریکا به این مسأله اشاره کرده و اقرار نموده که روابط افغانستان و پاکستان هیچ‌گاه تا به این اندازه خوب و صمیمی نبوده است.

این سخنان در حالی بیان می‌شود که جنرال راحیل شریف، فرمانده ارتش این کشور برای بار دوم طی سه ماه گذشته به کابل آمد و این‌بار مژده مذاکره مستقیم رهبران طالبان با حکومت کابل را داد. نفس سفرهای مکرر او به کابل و دیگر مقامات بلندپایه این کشور، خود گواه مبرهنی بر روابط استثنایی نزدیک این دو کشور در این روزهاست. به این ترتیب به نظر می‌رسد که می‌توان این روزها بازهم به رویای شیرین امنیت و ثبات در افغانستان و از سرگیری دوباره روند گفت‌وگوهای صلح با مخالفان مسلح دل‌خوش بود.

رییس‌جمهور غنی هم به نظر می‌رسد که عزم راسخی برای به ثمر رساندن پروژه صلح ناکام و ناتمام سلف ریاست‌جمهوری‌اش دارد. او به مردم وعده داده که همه را در جریان جزئیات روند گفت‌وگوهای صلح می‌گذارد و هیچ قدمی پنهان از چشم مردم برنمی‌دارد. این سخنان او امیدواری‌ها و خوشبینی‌ها را نسبت به «آخرین امید صلح افغانستان و منطقه» (به تعبیر جنرال پرویز مشرف) بیشتر می‌کند. اما با این‌همه به نظر می‌رسد که دست یافتن به صلح و راه ثبات پیمودن در افغانستان، سهل‌تر از عبور از هفت‌خان رستم و تصرف هفت شهر عشق نیست. در دل‌های این مردم، پیش از این‌هم بارها بذر امید صلح و ثبات کاشته شده بود، اما به مرور زمان، سیل انفجار و انتحار همه آن‌ها از بیخ نابود کرد.

گفت‌وگوهای بسیار صلح و نشست‌های دوجانبه و سه‌جانبه و چندجانبه در یک دهه گذشته، حاصلی جز یأس و ناامیدی مضاعف برای مردم ما نداشته است. با وجود همه این

سخن‌ماندگار

آغاز تناقض‌گویی‌های رییس‌جمهوری

اشرف‌غنی رییس‌جمهوری کشور در نشست خبری مشترک با اشتهون کارتیر وزیر دفاع جدید ایالات متحده آمریکا که روز شنبه در یک سفر از پیش اعلام‌نشده وارد کابل شد، در مورد روند مذاکرات صلح با طالبان گفت که به گفت‌وگوهای صلح خوشبین است، اما پاسخ قاطع در این مورد می‌تواند «خطرناک» باشد. او همچنین رویکرد دولت افغانستان در مورد گفت‌وگوهای صلح را «سازنده» توصیف کرد.

آقای غنی در هفته گذشته نشست‌های زیادی با چهره‌های سیاسی و جهادی افغانستان در مورد از سرگیری تلاش‌های صلح برگزار کرد و اعلام نمود که مردم در مورد جزئیات تلاش‌های صلح قرار خواهند گرفت. مقام‌های دولت گفته‌اند که انتظار می‌رود در هفته‌های آینده گفت‌وگوهای مستقیم بین نمایندگان افغانستان و گروه طالبان برگزار شود.

در اظهارات آقای غنی در مورد گفت‌وگوهای صلح، تناقضاتی به چشم می‌خورد که در همان نگاه اول خود را نشان می‌دهد. از یک‌طرف آقای غنی زیر فشار افکار عمومی و انتقادهای برخی رهبران سیاسی و جهادی می‌گوید که در مورد مذاکرات صلح، «هیچ چیزی پنهان از چشم مردم» صورت نمی‌گیرد؛ اما پس از آن در کنفرانس خبری خود وقتی به پرسشی در خصوص پیشرفت‌ها در روند گفت‌وگوهای صلح مواجه می‌شود، پاسخ قاطع در این مورد را «خطرناک» می‌خواند. این دوگانه‌گویی در اظهارات رییس‌جمهوری به‌صورت آشکار از پیچیده‌گی وضعیت پرده برمی‌دارد و نشان می‌دهد که روند گفت‌وگوهای صلح آن‌گونه که رییس‌جمهوری خوشبین به نظر می‌رسد، روندی ساده و بدون دردسر نیست.

آقای غنی شاید در مقطعی تلاش کرد که خود را از فشار افکار عمومی رهایی بخشد و به همین دلیل از رایه جزئیات خبر داد؛ اما او کم‌اقبال‌تر از آن بود که این وعده‌ها حداقل برای چند روزی همچنان اعتبار داشته باشد. آقای غنی عملاً با «خطرناک» خواندن رایه جزئیات، اعتبار سخنان چند روز پیش خود را ساقط کرد. حالا ما می‌توان نتیجه گرفت که پس از این آقای غنی حرف رُک و راستی در مورد گفت‌وگوهای صلح و بسیاری از مسایل مبرم کشور بر زبان نخواهد آورد و اگر چنین کاری هم انجام دهد، تنها برای آرام کردن افکار عمومی خواهد بود و در اصل به کتمان حقایق وفادار خواهد ماند.

آقای غنی دست‌کم باید برخی مسایل را با خود حل می‌کرد و آن‌گاه آن‌ها را بر زبان می‌آورد. چنین روحیه‌یی می‌تواند برای رهبران دولت وحدت ملی در آینده مشکلات زیادی را به‌وجود آورد. از عمده‌ترین مشکلات این روحیه می‌تواند عدم باورپذیری سخنان و وعده‌های این رهبران از سوی جامعه باشد. وقتی مردم احساس کنند که رهبران‌شان به هر دلیل ممکن از اجرای وعده‌های داده‌شده سر باز می‌زنند و یا می‌خواهند آن‌ها را فریب دهند، بدون شک دیگر به سخن و وعده آن‌ها باور نمی‌کنند. نتیجه چنین برخوردی، بسیار خطرناک‌تر از چیزی‌ست که گاهی رهبران دولت می‌توانند به آن فکر کنند و آن، ایجاد فاصله میان خود و شهروندان است.

فاصله میان رهبران و شهروندان، دقیقاً ریشه در چنین سیاست‌هایی دارد. به نظر نمی‌رسد که رییس‌جمهوری در چنان تنگنایی قرار گرفته بود که باید وعده رایه جزئیات روند گفت‌وگوهای صلح را می‌داد. شاید اگر او مقداری با صداقت بیشتر عمل می‌کرد و به مردم توضیح می‌داد که چرا نمی‌شود همواره همه‌چیز را بر ملا کرد، مصونیت سیاسی خود را در آینده بیشتر از حالا ضمانت می‌کرد، تا این‌که از روی احساسات و به دنبال برخی انتقادات به‌صورت شتاب‌زده با عده‌یی دیدار کند و بگوید که پس از این، هیچ چیزی در مسایل صلح به صورت مخفی انجام نخواهد شد.

همان زمان که آقای غنی از افشای مسایل صلح خبر داد، عده‌یی به این سخن شک کردند و گفتند که امکان ندارد رییس‌جمهوری همه رازها را بر ملا کند. این برخورد رییس‌جمهوری حتماً روند گفت‌وگوهای صلح را یک بار دیگر به روندی ابهام‌آمیز و جنجالی تبدیل کرد و این شایبه را به‌وجود آورد که احتمال دارد دولت صرفاً برای مصرف داخلی از خوش‌بینی‌ها در مورد آغاز گفت‌وگوهای صلح سخن گفته باشد.

فراموش نکنیم که اگر ریاست‌جمهوری به دنبال نشر گزارش‌ها مبنی بر آغاز گفت‌وگوهای صلح میان نمایندگان طالبان و دولت آمریکا در قطر، دست به یک رشته افشاگری‌ها در پیوند با همان وعده رییس‌جمهوری زد که گفته بود پس از این هیچ چیزی در مورد مسایل صلح به دور از چشم مردم انجام نمی‌شود. در اعلامیه ارگ ریاست‌جمهوری آمده بود که سفر راحیل شریف رییس‌سناد ارتش پاکستان به کابل در هفته گذشته، حاوی خبرهای خوش در مورد آغاز گفت‌وگوهای صلح بوده است. در اعلامیه ارگ از قول آقای شریف تأکید رفته بود که شورای کوئته و شبکه حقانی، آماده آغاز گفت‌وگوهای صلح استند و می‌خواهند پیش از آن، از ملا محمد عمر رهبر گروه طالبان در این خصوص اجازه بگیرند.

افشای این موارد پس از نشر خبر مذاکرات صلح در قطر، می‌تواند این شایبه را هم تقویت کند که ریاست‌جمهوری خواسته است افکار عمومی را از قطر به سوی کابل معطوف سازد و به‌نحوی از عوارض جانبی مسأله بکاهد. دولت‌مردان فکر می‌کردند که ممکن است بحث آغاز گفت‌وگوهای صلح در قطر، یک بار دیگر به جنجال‌های رسانه‌یی مبدل شود و به همین دلیل خواستند افکار عمومی را به جای دیگری معطوف سازند.

از سوی دیگر، افشاگری‌های ارگ توانست برنامه قطر را در سایه قرار دهد؛ چون آن‌چه که ارگ ریاست‌جمهوری ادعا کرد، بزرگ‌تر و فربه‌تر از بحث قطر بود. اما حالا پس از اظهارات اخیر آقای غنی، می‌توان فهمید که اعلامیه ارگ بیشتر به یک بلوف سیاسی و تبلیغاتی شبیه بوده تا یک واقعیت متکی به اسناد. بر اساس گفته‌های برخی از سران پیشین گروه طالبان در کابل، هیچ روزنه‌یی نسبت به انعطاف رهبران طالبان در مورد گفت‌وگوهای صلح دیده نمی‌شود.

مفتی عربستان:

داعش وجهه اسلام را در خارج خدشه دار کرده است



مفتی عربستان با بیان اینکه داعش چهره اسلام را در خارج خدشه‌دار کرده است؛ از تمامی نهادها و دستگاه‌های کشور خواست تا با تدریجی مقابله کرده و ماهیت واقعی داعش را برای همگان آشکار سازند.

به نوشته روزنامه مصری الیوم السابع، عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ، مفتی عربستان در سخنانی اعلام کرد: اعضای داعش چهره اسلام در خارج را خدشه دار کرده و در واقع برای خوار کردن جهان اسلام آمده‌اند.

مفتی عربستان در سخنان خود به مناسبت برگزاری کنفرانس جهانی «اسلام و مبارزه با تروریسم» که قرار است امروز در مکه با نظارت سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان برگزار شود، گفت: اعضای داعش گمان کرده‌اند که یک «دولت اسلامی» هستند و خداوند می‌داند که منافقان دروغگو هستند.

وی گفت: تمامی دستگاه‌های دولت و نهادها باید از طریق فرهنگ سازی و آگاه کردن جوانان به این مساله که داعش هیچ ارتباطی با دین ندارد و تنها گروهی جنایتکار است و برای ایجاد فساد و گمراهی آمده است برای مقابله با داعش بسیج شوند.

مفتی عربستان از رسانه‌ها خواست تا این مساله و ماهیت واقعی داعش را برای مردم توضیح دهند و به این مساله توجه کنند که چه کسی دنبال باطل است و چه کسی دنبال حق.

سازمان همکاری اسلامی:

مسلمانان قربانیان اصلی تروریسم هستند



دبیرکل سازمان همکاری اسلامی ضمن اعلام پایبندی این سازمان به مساله مبارزه با تروریسم و تدریجی گفت: این مسلمانان هستند که بیشترین آسیب را از تروریسم می‌بینند. به نوشته روزنامه مصری الیوم السابع، ایاد مدنی، دبیرکل سازمان همکاری اسلامی در سخنان خود در نشست جهانی مبارزه با تدریجی و تروریسم در واشنگتن گفت: ما به مساله مبارزه با تروریسم و تدریجی پایبندیم و بار دیگر مخالفت خود را با ربط دادن تروریسم به یک کشور، تابعیت، دین یا فرهنگ خاص اعلام می‌کنیم.

مدنی خاطر نشان کرد: رسیدن به فهم درست و واضح از ریشه تروریسم و دلایلی که موجب می‌شود افراد به گروه‌های تروریستی بپیوندند اقدام اساسی و مهم در این زمینه است. مدنی خاطر نشان کرد: مقابله با تدریجی و خشونت تنها با ابزارهای امنیتی و نظامی امکان پذیر نیست بلکه باید تمامی ابعاد پدیده تروریسم را شناخت و با آن مقابله کرد در راس آن نیز مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارند که شرایط را برای گسترش تروریسم و تدریجی خشونت آمیز فراهم می‌کنند و از جمله مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان به فقر اقتصادی، به حاشیه رانده شدن و دودستگی اشاره کرد.

ایاد مدنی بر لزوم اتخاذ اقداماتی برای پایان دادن به ظلم و ستمی که به مردم وارد می‌شود به ویژه مردمی که تحت اشغال یا استعمار هستند تاکید کرد.

وی تصریح کرد: مسلمانان کسانی‌اند که بیشترین آسیب را از تدریجی و خشونت تروریست‌ها می‌بینند و قربانیان اصلی تروریسم هستند چرا که تروریست‌ها با اقدامات خود وجهه اسلام و مسلمانان را خدشه‌دار می‌کنند.

تهدیدهای کلیدی در راهبرد امنیت ملی جدید امریکا



در حالی که کاخ سفید پنج سال پیش راهبرد امنیت ملی امریکا را به روزرسانی کرد، اخیرا اقدام به انتشار نسخه جدید این راهبرد کرده که در آن تهدیدات مورد نظر اوپاما علیه امریکا نظیر تقویت تروریسم، مسائل امنیت سایبری، نفوذ روسیه و خطرات بیماری ابولا تشریح شده است. با این حال این نسخه تفاوت‌های قابل توجهی در ارتباط با دیدگاه امریکا درخصوص تهدیدها با نسخه سال ۲۰۱۰ دارد.

به گزارش شبکه راشاتودی، سند جدید راهبرد امنیت ملی امریکا به بیان راهبرد مورد نظر باراک اوپاما، رئیس جمهوری امریکا برای مقابله با تهدیدات در دو سال آخر ریاست جمهوری‌اش می‌پردازد. اگرچه سوزان رایس، سفیر امریکا در سازمان ملل در سخنرانی خود عنوان کرد که در این راهبرد تغییرات گسترده‌یی به نسبت قبل ایجاد نشده، اما به آسانی می‌توان تفاوت‌هایی چشمگیر در نسخه سال ۲۰۱۵ به نسبت نسخه سال ۲۰۱۰ این سند پیدا کرد.

در نسخه ۲۰۱۵ راهبرد امنیت ملی امریکا، بر موج در حال تقویت تروریسم در مواجهه با اقدامات داعش و افزایش خطر سرایت تروریسم تمرکز شده در حالی که در نسخه سال ۲۰۱۰ بر پایان جنگ‌های عراق و افغانستان تاکید شده بود.

در راهبرد جدید، امریکا تاکید می‌کند: ما به سبب تقویت اشتراک اطلاعات، قابلیت‌های هوانوردی و امنیت مرزی و همچنین همکاری بین‌المللی بهتر می‌توانیم از خود در مقابل تروریسم پاسداری کنیم.

این سند همچنین بر مشکل تروریسم داخلی در امریکا تاکید کرده و عنوان می‌کند: تلاش‌های جامعه محور و برنامه‌های نیروهای ضابط قانون محلی در دست انجام بوده و آن‌ها باید برای پیشگیری از حملات تروریستی داخلی همکاری کنند.

سند جدید راهبرد امنیت ملی امریکا از حادثه بمب گذاری در مسابقات دو ماراتن بوستون به عنوان دلیل اثبات تقویت انعطاف و پاسخگویی دولت به تهدیدات به جای آنکه این حادثه را نقطه ضعفی در راهبرد امنیتی بداند، یاد می‌کند.

یکی دیگر از بخش‌های کلیدی این سند مربوط به مسائل امنیت سایبری است. در این زمینه عنوان شده است: خطر حملات سایبری اخلال‌گر و حتی ویرانگر در حال افزایش است. ما اقدامات لازم را اتخاذ خواهیم کرد تا از شبکه‌ها و شرکت‌های تجاری خود علیه دزدی سایبری اسرار تجاری با هدف مزایای تجاری، چه این کار از طریق عاملان خصوصی و چه از طریق دولت چین انجام شود، محافظت کنیم.

با این حال سوزان رایس اشاره‌ای به مساله تجسس‌های رسوایی برانگیز آژانس امنیت ملی امریکا برای مقابله با تهدیدات نکرد. رایس اشاره مختصری به تکنیک‌های تجسسی رو به افزایش در امریکا داشت.

وی گفت: ما تلاش خواهیم کرد تا قوانین خودمان را فراگیرتر کنیم، ممنوعیت‌های خود علیه شکنجه را حفظ کنیم، از آزادی‌های مدنی و حریم خصوصی حفاظت کنیم و شفافیت را در مورد مسائلی نظیر تجسس الکترونیک تقویت کنیم.

با این حال به نظر می‌رسد بخش عمده تجسس‌های غیرموجه دولت امریکا همچنان حفظ شوند و بسیاری از برنامه‌هایی که عامل اصلی مناقشه علیه آژانس امنیت ملی امریکا بودند همچنان برقرار باشند. چند روز پیش

دولت اوپاما یک مجموعه جدید از خط‌مشی‌ها را درباره چگونگی انجام تجسس از سوی سازمان‌های امریکایی نظیر آژانس امنیت ملی علیه شهروندان امریکایی اعلام کرد.

با این حال بخش عمده این به اصطلاح تغییرات، سطحی بوده و تاثیر چندانی بر اقدامات تجسسی تهاجمی امریکا نداشتند.

منتقدان در حالی که حدود دو سال از افشای‌های ادوارد اسنودن، مقاطعه‌کار امنیتی سابق آژانس امنیت ملی امریکا علیه اقدامات جاسوسی این آژانس می‌گذرد این تغییرات را بسیار ضعیف دانسته‌اند.

به عنوان مثال نشریه گیزموندو نوشت: اصلاحات جدید اوپاما برای آژانس امنیت ملی به طرز قابل پیش‌بینی ضعیف هستند. از سوی دیگر در یک مقاله منتشر شده در روزنامه گاردین عنوان شد: تغییرات پیشنهادی در زمینه نحوه جمع‌آوری اطلاعات در امریکا به اهداف مورد نظر اصلاح‌گران آژانس امنیت ملی، دست پیدا نمی‌کند.

یکی دیگر از تغییرات قابل توجه در سند جدید راهبرد امنیت ملی امریکا، تغییر راهبرد علیه روسیه است. در نسخه قبلی مربوط به سال ۲۰۱۰ امریکا خواهان تقویت روابط با روسیه شده بود اما در نسخه سال ۲۰۱۵ امریکا خواهان اعمال فشار بیشتر بر روسیه به منظور تغییر مسیر روسیه در قبال اوکراین شده است. سند جدید راهبرد امنیت ملی امریکا در بحث درباره مسکو و بحران اوکراین از کلماتی نظیر «تهاجم»، «اجبار» و «جنگ طلبی» استفاده می‌کند.

این سند تصریح می‌کند: تهاجم روسیه به اوکراین آشکار می‌سازد که امنیت اروپا و قوانین و هنجارهای بین‌المللی علیه تجاوزات ارضی را نمی‌توان مسلم دانست.

از طرف دیگر در یک گزارش متعلق به مدیر اطلاعات ملی امریکا که همزمان با این سند منتشر شد، نسبت به نفوذ روسیه با لحنی ملایم‌تر اظهار نگرانی شده است.

در این گزارش آمده است: احتمالا روسیه همچنان به اظهار قدرت و نفوذ خود با راه‌هایی که باعث تضعیف منافع امریکا می‌شوند ادامه خواهد داد اما ممکن است

گونتر گراس:

جنگ جهانی سوم در راه است



گونتر گراس نویسنده آلمانی برنده نوبل ادبیات گفت نشانه‌های درگرفتن سومین جنگ جهانی را می‌بیند و از این بابت نگران است.

روزنامه آلمانی «نوست‌فالیس» به نقل از گونتر گراس، بروز جنگ جهانی دیگری را محتمل دانست. این شاعر ۸۷ ساله ظهور شکل جدیدی از درگیری‌ها را دلیل هراس خود از چنین مسأله‌ای بیان کرد.

گراس همچنین در بخش دیگری از سخنانش به استفاده از اینترنت برای بلوکه کردن سیستم اقتصادی جنگ‌افروزی و شرایط غیرقابل درکی که در کشورهایی مثل اوکراین و سوریه همچون جنگ‌های کلاسیک در جریان است، اشاره کرد.

نویسنده «طلح حلی» که همواره به مسائل سیاسی علاقه‌مند بوده و هرازچندگاهی با اظهارات رسانه‌یی خود حاشیه‌ساز می‌شود، در ادامه گفت: خوش‌بین نیستم توافق امضاشده در مینسک برای پایان گرفتن درگیری‌ها بین دولت اوکراین و شورشگران روس در

شرق اوکراین چاره‌ساز باشد. فکر نمی‌کنم این مسأله به صلح ختم شود، چون برداشت من این است که نه اوکراین و نه روسیه، کنترل کاملی روی عملکرد نیروهای خود در این منطقه ندارند.

وینتر ویلهلم گراس - رمان‌نویس، شاعر، نمایشنامه‌نویس، تصویرگر، مجسمه‌ساز و نقاش آلمانی - متولد ۱۶ اکتبر ۱۹۲۷ در شهر «دانزینگ» است که در سال ۱۹۹۹ به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات معرفی شد. این نویسنده سرشناس در سال ۱۹۵۹ با

خواهان همکاری با امریکا درباره مسائل امنیتی دارای اولویت و مهم در هنگامی که منافع ما مشترک هستند، شود.

اوپاما در ارتباط با موضع خود در خصوص مقابله با تجاوزگری‌های روسیه در مصاحبه با سی‌ان‌ان اذعان کرد که امریکا در جریان دوران انتقال قدرت اوکراین نقش یک دلال قدرت را ایفا کرد.

واشنگتن یکی از حامیان سرسخت حکومت کی‌یف که پس از کودتای مسلحانه ماه فوریه گذشته روی کار آمد، بوده است. امریکا روسیه را متهم به کشاندن اوکراین به جنگ داخلی که تاکنون بیش از ۵۰۰۰ کشته بر جای گذاشته، کرده است.

مسکو نیز واشنگتن را تحریک کننده اصلی اعتراضات اوکراین که خشونت‌های خیابانی و سقوط دولت منتخب کی‌یف را به همراه داشت، دانسته است.

در ادامه سند راهبرد امنیت ملی امریکا، چین نیز به ویژه در ارتباط با مسائل امنیت سایبری، یک تهدید قلمداد شده است. در گزارش مربوط به مدیر اطلاعات ملی امریکا نیز آمده است: چین دارای منفعت در ثبات شرق آسیا است اما در ارتباط با مقاصد راهبردی خود مبهم بوده و مدرنیته سازی ارتش چین نیز نگران کننده است.

همچنین تداوم برنامه‌های موشکی و هسته‌یی کره شمالی و برنامه هسته‌ای ایران نیز در راهبرد امنیت ملی جدید امریکا جزو نگرانی‌های کلیدی هستند. از جمله دیگر عوامل نگران کننده، تداوم بی‌ثباتی در خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه در ارتباط با گروه‌های تروریستی و افراط‌گر در این منطقه است. در سند جدید راهبرد امنیت ملی امریکا بالغ بر ۱۰۰ بار از لفظ‌های «رهبری» و «امریکای رهبری‌کننده» استفاده شده است.

همچنین در این سند بر راهبرد استفاده از برتری اقتصادی امریکا به منظور تنظیم سیاست اقتصادی جهانی به ویژه از طریق پیشبرد سیاست‌های تجاری نظیر مشارکت ترانس آتلانتیک و ترانس پاسیفیک تاکید شده است. در این میان خطرات بهداشتی و زیست محیطی شامل گسترش ویروس ابولا جزو اولویت‌ها هستند.

نگارش رمان «طلح حلی» به شهرت رسید و اکنون برجسته‌ترین نویسنده آلمانی در قید حیات محسوب می‌شود.

او رمان کوتاه «موش و گربه» را در سال ۱۹۶۱ به چاپ رساند و در سال ۱۹۶۳ «سال‌های سگی» را روانه بازار کتاب کرد. این آثار که هر سه به ظهور نازیسم پرداخته‌اند، به عنوان «سه‌گانه دانزینگ» معروف‌اند.

یکی از جنجالی‌ترین رخداد‌های زندگی گونتر گراس، مصاحبه او درباره کتاب «پوست کندن پیاز» در سال ۲۰۰۶ بود که طی آن این برنده نوبل ادبیات اعتراف کرد زمانی عضو ارتش نازی بوده، در حالی که پیش از آن تصور می‌شد او به علت آن‌که خیلی جوان بوده، در ارتش نازی عضویت نداشته است.

گونتر گراس سال ۲۰۱۲ با کنار زدن پاپ بندیکت شانزدهم، رتبه نخست فهرست مجله «سیسرو» را شامل برترین روشنفکران دهه گذشته آلمان از آن خود کرد. جایزه بوشنر سال ۱۹۶۵، جایزه توماس مان ۱۹۹۶، جایزه پرنس آستوریاس ۱۹۹۹ و دکترای افتخاری دانشگاه آزاد برلین از دیگر افتخارهای این نویسنده بزرگ آلمانی هستند.

بخش سی و چهارم

اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



عبد الحفیظ منصور

۱. تنزیه دین از آلودگی اجتناب‌ناپذیر حکومت‌ها
 کار حکومت، آلوده به انواع کج‌رفتاری‌ها و دسیسه‌ها می‌باشد و سیاست‌مداران ناگزیراند که برای به‌سر رسانیدن مأموریت‌شان، به یک سلسله کارهای غیراخلاقی دست بزنند؛ از این‌رو جدایی دین از حکومت، به سود دین می‌انجامد. زیرا دامن دین از ناپاکی‌ها مصون می‌ماند.
 ۲. دین امری فردی، ولی حکومت مبتنی بر قرارداد اجتماعی است. دین هر کسی به یک سلسله احساسات و برداشتهای درونی او ارتباط دارد، و از آن‌جا شکل می‌گیرد، از همین‌جاست که هر انسانی می‌تواند دارای تجربه متفاوت دینی بوده باشند و این ویژه‌گی، دین را پهنا و گسترده‌گی بخشیده است و هر کسی

کار دارد، حکومت با قرارداد. دین اعتبار درونی دارد و مقدس است و حکومت اقتدار بیرونی دارد و مقدس نیست.
 ۴. تفکیک دین و دولت بر اساس نظریه پلورالیسم.
 دین و ایدیولوژی نباید به منزله مذهب یا ایدیولوژی رسمی کشور قرار بگیرد؛ زیرا در این صورت تبعیض نهادینه می‌گردد و حکومت‌ها به سوی استبداد و خودکامه‌گی حرکت می‌کنند و مشارکت همگانی هرگز شکل نمی‌گیرد.
 ۵. تفکیک دین و حکومت با استناد به تفاوت‌های تاریخ و جامعه‌شناسی روزگار قدیم و جدید.
 در دوران قدیم زنده‌گی ساده بود، تقسیم کار در آن وجود نداشت، یک شخص می‌توانست در چند عرصه فعال و

دینی کردن سیاست، موجب می‌شود که به سیاست و حکومت آسیب وارد آید؛ زیرا در این حالت، مصلحت‌اندیشی سیاسی در قید جزئیات دینی قرار می‌گیرد و زنده‌گی سیاسی، تحرک و پویایی خود را از دست می‌دهد.
 ۷. ترکیب دینی و سیاست به ضرر آزادی اندیشه و در نتیجه، به زیان جامعه است.
 آزادی اندیشه، مستلزم نامشخص بودن نتیجه است که اندیشمند در جریان تفکر خویش به آن می‌رسد. در حالی که دین دستورهایی دارد که اندیشمند را مقید می‌سازد که در چهارچوب آن به تفکر بپردازد. بدین‌گونه با پابندی به اوامر دینی، آزادی اندیشه محدود و جلو ترقی و پیشرفت سد می‌شود.
 ۸. محدودیت‌های فقه و دین، مشکل‌ساز است.
 فقه و دین یک سلسله قواعد و ضوابط را دارا می‌باشد که این ضوابط از بازناندیشی و نواندیشی پیش‌گیری می‌کند و در فرجام، از بازسازی جامعه مطابق تحولات جهانی جلوگیری به‌عمل می‌آورد.
 ۹. از لحاظ اخلاقی، با ترکیب دین و سیاست، ریاکاری گسترش می‌یابد. در صورت ترکیب دین و سیاست، برای آن‌که زمام‌داران خود را برتر نشان دهند، ناگزیر به ریاکاری می‌شوند، که خود در دین گناهی بزرگ شمرده می‌شود.
 ۱۰. اعتقاد به ترکیب دین و سیاست، موجب تنبلی شدن مردم می‌شود.
 جامعه با اعتقاد بر این‌که همه راه‌حل‌ها در تعلیمات دینی آمده و نیازی به تنبلی و کنکاش وجود ندارد، تنبلی می‌گردد و در نتیجه از کاروان پیشرفت و ترقی عقب می‌ماند.
 ۱۱. تجارب تلخ تاریخی، زبان‌های ترکیب دین و سیاست را نشان می‌دهد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که هزار سال حاکمیت بلامنازع پاپ‌ها در اروپا، خلافت اموی‌ها، عباسی‌ها، صفوی‌ها و عثمانی‌ها هرگز تجاربی دل‌پذیر و در خور تمجید و تقلید نبوده‌اند.
 ۱۲. در صورت ترکیب دین و سیاست و تبارز ناتوانی حکومت در اجرای وظایفش، مردم نسبت به دین بی‌ایمان می‌شوند.



Veer

صاحب‌نظر باشد؛ اما عصر جدید زنده‌گی را پیچیده ساخته، تقسیم کار و وظایف اجتماعی را به میان آورده است، لذا هر عرصه متخصص ویژه خویش را می‌طلبد. این مسئله به‌صورت اجتناب‌ناپذیر در نسبت میان دین و سیاست نیز صادق می‌باشد. بدین‌گونه که رهبران دینی در عصر قدیم، در سایر عرصه‌ها مانند حل و فصل قضایای اجتماعی، طبابت و نجوم نیز فعال بودند و به حل مسایل می‌پرداختند. در حالی که در عصر حاضر، هر بخش کارشناس ویژه خود را دارد.
 ۶. با دینی شدن سیاست، به سیاست آسیب می‌رسد.

می‌تواند در فضای آن احساس راحت و آرامش کند. اما حکومت دارای یک سلسله قواعد و احکام عمومی است که هر فرد فارغ از تعلقات دینی، مذهبی، قومی و جنسیتی باید به آن وفادار بماند، تا نظم لازم در جامعه به‌میان آید؛ بنابراین میان حوزه دین و حوزه سیاست فرقی‌هایی است که نمی‌تواند در یک‌جا جمع گردند، جز به زیان یکدیگر.
 ۳. دین و حکومت، تمایز ماهوی دارند.
 دین و حکومت دو مقوله جدا از هم هستند. دین به معنویت تعلق دارد، حکومت به مادیت. دین با عقاید سر و

بخش سوم و پایانی

طلاق با مردان چه منتهی‌الخطی؟

خانه تاریک و ساکت است. کلید خانه را می‌چرخاند، وارد خانه خالی که تا چند هفته پیش، پُر بود از صدای فریاد و شیون زنی که با ورودش به خانه، گلاب‌هاش آغاز می‌شد. هیچ نشانی از زن در خانه نیست، اما ذهن مرد پُر است از مرور خاطرات این چندساله. خاطرات تلخ و شیرینی که تنهایی شب را پُر می‌کند و چشمانش را تا صبح بی‌خواب. انگار قرار نیست خسته‌گی این چند سال زنده‌گی مشترک از تنش بیرون رود. مانده است تنهایی این روزها را دوست دارد یا دلش برای روزهای پُرچالش گذشته تنگ شده است؛ دوگانه‌گی عاطفی و تغییرات خلقی شدید و افسوس احساسی‌یی که بیشتر مردان با آن درگیر می‌شوند. روان‌شناسان در این رابطه می‌گویند: بلافاصله بعد از جدایی، برای بیشتر مردان دوگانه‌گی عاطفی و تغییرات خلقی شدید به وجود می‌آید. تضاد از این نظر که مردی که از همسرش متارکه کرده، در این‌که کاری که انجام داده درست بوده یا نه، مرد است و همیشه با این سوال که آیا می‌توانسته کار بهتری انجام دهد یا نه، مواجه است.

مرد در عین حال که از همسر سابق خوشش نمی‌آید، هم‌زمان نسبت به او احساس مثبتی هم دارد؛ چون ممکن است بعضی از جنبه‌های وجود او را که در گذشته دوست داشته است، هنوز هم دوست داشته باشد. پس از جدایی، گاهی اوقات مرد احساس تأسف می‌کند؛ چون فکر می‌کند می‌توانسته است بهتر رفتار کند، یا احساس شرم در او به وجود می‌آید؛ به این دلیل که در ازدواج و تشکیل خانواده شکست خورده است.

طلاق انتها ندارد

بر اساس مطالعات جامعه‌شناختی، طلاق فرآیندی است که ابتدا دارد اما انتهای ندارد، به این معنا که طلاق صد در صد اتفاق نمی‌افتد و صرفاً این مسأله به شکل حقوقی پایان می‌پذیرد، اما مسایل عاطفی ناخودآگاه در ذهن طرفین می‌ماند. فرآیند طلاق در بررسی‌های جامعه‌شناسان، ۱۳ مرحله است و هفتمین مرحله آن، طلاق پنهان است که با رنگ باختن عشق و علاقه در محیط خانواده بین زوجین اتفاق می‌افتد، و از آن‌جا که ساختار سنتی بر جامعه حاکم است، زنان به جمله «می‌سوزم و می‌سازم» اکتفا می‌کنند. در این مرحله زن معتقد به سوختن و ساختن برای حفظ پیوند خود است و این در حالی‌ست که هر چه بسوزد می‌سوزاند، و قربانی این تفکر زنان، مردان هستند. در این مرحله که به ظاهر بر اساس اینتر زن صورت گرفته است و مرد برنده آن است، آثار مخرب روحی و روانی و زیان‌بار آن بیشتر متوجه مرد می‌شود.

افسرده‌گی؛ رایج‌ترین بحران مردان بعد از طلاق

افسرده‌گی رایج‌ترین بحران مردان بعد از متارکه است. روان‌شناسان می‌گویند: افسرده‌گی در این دوران بسیار شایع است؛ زیرا مردان نمی‌دانند چه وضعیتی در انتظار آن‌هاست. به طور کلی در دوره پس از طلاق، خشم، تأسف، عشق و نفرت در هم می‌آمیزد. ممکن است بعضی اوقات، مرد احساس راحتی کند؛ زیرا بر این باور است که دیگر فشارها و دخالت‌ها تمام شده است؛ اما ترس از آینده‌یی نامعلوم، این احساس راحتی موقت را از بین می‌برد. در این دوران، مردان با یادآوری مکرر گذشته و بررسی رابطه از هم گسیخته‌ خود، دچار اختلال تمرکز می‌شوند و نمی‌توانند به هیچ چیزی به طور طبیعی فکر کنند.

متارکه می‌تواند استرس مضاعفی را برای مردان ایجاد کند. در کنار افسرده‌گی حاصل از این اتفاق، مرد دچار اضطراب می‌شود. اضطرابی که در مردان بعد از متارکه شکل می‌گیرد، بسته به نوع شخصیت مردان باعث بروز ناراحتی‌های قلبی و عروقی، بیماری‌های ریوی، ناراحتی‌های گوارشی، ریزش مو و یا سفید شدن موی سر می‌شود.

مردان همانند زنان بعد از طلاق دچار مشکلات بسیاری می‌شوند؛ مشکلاتی که بی‌توجهی به آن می‌تواند آن‌ها را با آسیب‌های جدی جسمی و روحی مواجه کند.

منبع: سایت آفتاب

استن این عالم ای جان غفلت است
هوشیاری این جهان را آفت است
هوشیاری زان جهان است و چو آن
غالب آید، پست گردد این جهان
مولوی

مقدمه

زمان میگذرد و نسلها نیز یکی پی دیگری عوض می‌شود. جوامع از پیچ و خم‌های زیادی می‌گذرد و ذهن، زبان و زنده‌گی انسانها دگرگونی می‌پذیرد. آنچه در گذشته‌ها در حاشیه بود، به مرکز می‌آید و محورها با گذشت زمان به حاشیه‌ها می‌رود و یا طرد می‌شود. قاعده‌ها و استثنائات جای‌گزین یکدیگر می‌شود و فراز و فرودهای تاریخی شکل می‌یابد. هر فراز و هر فرودی، یا به تعبیر دیگر، هر دوره‌یی از تاریخ، خصلت‌هایی به همراه دارد که آن را از دوره‌های پیش متمایز می‌کند، و پرسش‌هایی را حمل می‌کند که در گذشته‌ها مورد توجه چندانی نبوده است. در این میان، زمانی که ما در آن زنده‌گی داریم، مقطع خاصی از تاریخ به شمار می‌آید که تفاوت‌های آن با دوره‌های پیشین چشم‌گیر است و ما با پرسش‌های عدیده‌یی روبه‌رویم. تکنولوژی چه نقشی در زنده‌گی ما دارد؟ مؤلفه‌های زنده‌گی انسان امروز کدام‌ها اند؟ آیا می‌توان انتظاری حداکثری از علم و تکنولوژی داشت؟ آیا علم به پرسش‌های متافیزیکی بشر پاسخ می‌دهد؟ تعیین هدف برای زنده‌گی به عهده کیست؟ نکند در های‌وهوی علم و تکنولوژی فراموش شده باشیم؟ چرا کیستی ما و چیستی جهان دیگر یک مسأله نیست؟ قلمرو دین در کجاست؟ مگر می‌شود منهای دین زنده‌گی داشت و به آرامش رسید؟ اهمیت دین در راستای بازگشت به خویش یا به تعبیری، عبور از غفلت تا کجاست؟ از پرسش‌های پایه‌یی و خسته‌کننده‌یی است که حول و حوش ما را گرفته است و تا پاسخی لازم درنیابد، رهایمان نخواهد کرد. در این نوشتار سعی شده است تا تفاوت دنیای ما با دنیای گذشته به لحاظ معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی مختصراً توضیح داده شود و آسیب‌هایی که ساخته‌های دستان خود ما به ما وارد آورده است، مورد کنکاش قرار گیرد. با توضیح خصلت‌های زمان ما و آسیب‌شناسی انسان امروز است که مفاهیمی همچون: غفلت، فراموش‌گری، بازآبادآوری و... معنا و اهمیت بسیاری می‌یابد و نیاز به این آموزه‌ها در اسلام بیش از هر زمانی برجسته‌تر می‌شود.

دنیای ما

دنیایی که ما در آن نفس می‌کشیم، با گذشته‌های دور تفاوت‌های بنیادینی دارد که این تفاوت‌ها را می‌توان در دو دسته معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی مطرح نظر قرار داد. انسان امروز عمیقاً از گذشته متفاوت می‌اندیشد و شرایط زیست‌محیطی وی نیز تفاوت‌های بنیادینی با گذشته دارد که نمی‌توانیم از تعامل دوگانه ذهن و عین یا به تعبیر دیگری معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی - به‌ساده‌گی بگذریم و بی‌اعتنایی اختیار کنیم.

انسان‌محوری (Humanism) را جهان‌بینی و خردورزی (Rationalism) را ایدئولوژی زمان ما گفته‌اند. در زمانه ما انسان در مسند امر و نهی تکیه زده است و همه‌چیزی را انسان‌وار و انسان‌گونه می‌نگرد. انسان عصر ما حتا به خدا نیز اندیشه دیگری دارد و از پایگاه یک انسان به او می‌نگرد و هر چیزی را با محک انسانی خودش سبک و سنگین می‌کند و به‌شدت شیفته خویش و دست‌آوردهای تازه به‌ظهورپیوسته خویش است. انسان در گذرگاه جدید تاریخی خویش به چیزی جز اصالت انسان و بشرانگاری تمامیت‌خواهانه و سخت‌جان، گرایشی ندارد. او خویش را در مرکز هستی تکیه‌زده می‌بیند و جز خودش را آن‌هم با نگرشی بزرگ‌بینانه و خودخواهانه - در تزامن بی‌شمار پدیده‌ها نمی‌نگرد. انسان روزگار ما در ورطه‌های تمامیت‌خواهی ساده‌انگارانه و بزرگ‌بینانه عمیقی فرو رفته است که زمان بسیاری و ریسمان محکمی برای بیرون آمدن از آن نیاز دارد. آدمی در این عصر همچون گذشته‌گان نمی‌اندیشد و اندیشه وی از جنس اندیشه گذشته‌گان نیست. او فکری جز سرخورده‌گی و آواره‌گی‌های بی‌وقفه فکری ندارد و در دهلیزهای پر دود و غبار اندیشه‌ها سرگشته و سرگردان است تا شاید به‌سوی حقیقت گامی بردارد و نشانی از گم‌شده‌اش به‌دست آورد.

انسان گم‌شده

در امواج تکنولوژیک

زمان

انسان می‌خواستند زمینه‌های تعالی خودآگاهانه بشر را فراهم سازند و برای انسان در جهت خودآفرینی ماهیتش میدان بدهند. اما این میدان‌دادن‌ها در نهایت به یأس‌زده‌گی، نومیدی، پوچی و سرخورده‌گی‌یی منتهی شد که حتا برای پیشوایان این نحله اگزیستانسیالیستی غیرمنتظره و اعجاب‌آور بود.

در نگره ژان‌پل سارتر پیوند روشنی میان اعتقاد به خدا و معناداری آفرینش به چشم می‌خورد. او با نفی خدا به بیهوده‌گی خلقت می‌رسد در حالی که قرآن کریم با ایجاب ایمان به خدا و اعتقاد مندی به آخرت، طرح عبثت جهان را پنداری و گمان‌واره‌گی می‌خواند.

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿۱۱۵﴾
فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۱۶﴾

[مومنون: ۱۱۵-۱۱۶]

ترجمه: آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم، و به سوی ما باز نمی‌گردید؟ پس برتر است خداوندی که فرمانروای حق است (از این که شما را بی‌هدف آفریده باشد!) معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است.

آیه فوق نشان می‌دهد که میان اعتقاد مندی به عدم رجعت و بیهوده‌گی آفرینش انسان، پیوند ناگسستنی‌یی وجود دارد و نمی‌توان اهمیت آن را نادیده انگاشت. قرآن توضیح می‌دهد که باور مندی به عدم بازگشت به‌سوی خداوند چیزی در حد گمان، و مستلزم بیهوده بودن آفرینش بشر است در حالی که خداوند هیچ چیزی را بیهوده نمی‌آفریند و از این که چیزی را بیهوده بیافریند، میرا و منزه است. با این حساب، انسان‌ها به‌سوی خداوند برمی‌گردند و آفرینش آن‌ها عبث نیست.

این آیه کریمه نقش آموزه بازگشت به خدا را در معنادهی و عبث‌نیکوکاری خلقت انسان به وضوح بیان می‌دارد و اهمیت آن با توجه به بحران معنا و درگیری‌های فکری هم‌روزگاران ما غیر قابل انکار است. قرآن کریم ساحت آفرینش الهی را از بیهوده‌گی و هرزه‌گی‌ها به‌دور، و متعالی می‌داند که در نتیجه، آفرینش انسان نیز هدف‌مندانه و غایت‌انگارانه است و نباید در معناداری آفرینش بشر با توجه به بازگشت او به خدا و حساب‌رسی اعمال وی تردیدی به‌خود راه داد.

اساساً دین در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های بنیادینی نظیر: از کجا آمده ایم؟ نسبت ما با جهان چه‌گونه است؟ و به کجا خواهیم رفت برآمده است و کارکرد دین نیز در یک روی‌کرد، نظر به میزان پاسخ‌گویی دین به این پرسش‌ها سنجیده می‌شود. در این میان، قرآن کریم به هر سه پرسش بالا، پاسخ‌های تردیدناپذیری می‌دهد که اطمینان خاطر بسیاری ایجاد می‌کند.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن طِينٍ (۱۲) ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَنَّاكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿۱۴﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَعِينُونَ ﴿۱۵﴾ ثُمَّ

إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿۱۶﴾ [مومنون: ۱۲-۱۶]
ترجمه: و ما انسان را از عصاره‌یی از گل آفریدیم؛ سپس او را نطفه‌یی در قرارگاه مطمئن [= رحم] قرار دادیم؛ سپس نطفه را به صورت علقه [= خون بسته]، جویده شده، و مضغه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم؛ و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌یی دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفریننده‌گان است! سپس شما بعد از آن می‌میرید؛ سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید.

همین چند آیه قرآن کریم به عمیق‌ترین پرسش‌های انسان پاسخ می‌دهد؛ کما این که آیه دوازدهم از خلقت نخستین انسان سخن می‌گوید و آیه‌های سیزدهم و چهاردهم بیان‌گر آفرینش بعدی و مراحل تکون فیزیکی انسان است تا آن که به «آفرینشی دیگر» می‌رسد و بر تمایز تکوینی انسان انگشت می‌نهد. آیه پانزدهم بر واقعیت مرگ پس از زنده‌گی - اشاره دارد و در آیه شانزدهم مسأله سرنوشت نهایی و رستخیز انسان توضیح داده شده است.

قرآن کریم به‌صورتی کلی، و در مواردی هم جزوار به پرسش‌های اساسی انسان پرداخته است که از آن جمله پرسش از آخرت برای انسان همواره مطرح و مسأله بوده است.

امام غزالی به نقل از شفیق بلخی آورده است:

مردم سه سخن را می‌گویند و در عمل کردهای شان گاهی موافق آن حرکت می‌کنند: می‌گویند ما بنده‌گان خداوندیم در حالی که همانند انسان‌های آزاد رفتار می‌کنند و این خلاف تعهد ایشان است. می‌گویند خداوند متکفل و روزی‌دهنده ماست اما قلب‌های شان جز به دنیا اطمینان نمی‌یابد و اشیای ناچیز آن را انبار می‌کنند. می‌گویند مرگ امری حتمی و گریزناپذیر است در حالی که همانند جاودانه‌گان عمل می‌کنند و این نیز خلاف آن چیزی است که می‌گویند.

مرگ را باید بزرگ‌ترین واقعیت فراموش‌شده بشر امروز دانست کما این که، انسان امروز چنان‌گه در گهی و لحظه‌وار می‌اندیشد که واقعیات دور دست‌تر از خودش را نمی‌بیند. هر چند مرگ را نباید واقعیتی دور و نامکشوف تلقی کرد کما این که، مرگ ملازم، و آیین‌دار زنده‌گی بشر است و بی‌وجود آن، زنده‌گی صورت اصلی‌اش را نشان نمی‌دهد و اصلاً پرده‌یی برای نمایش آن وجود نخواهد داشت. از هایدگر نقل شده است:

به عقیده هایدگر، انسان فقط با احساس این که دایماً با مرگ «روبه‌رو» است، قادر به درک اهمیت و غنای هر لحظه در زنده‌گی و خلاص شدن از «بت‌های وجود اجتماعی» - اهداف «آرمان‌ها» و «انتزاعات علمی» است. [...] بدبینی و دشمنی عمیق با علم و تکنولوژی ذاتی اگزیستانسیالیسم هایدگر است.

در مراسم ارج گذاری به تفکر عدم تشدد:

بنیادگرایی ابزار کشورهای سلطه جو است

«آنسوی دیورند سرزمین های اشغالی است»

ماندگار

موسسه فکری - فرهنگی رنا و دانشگاه خان عبدالغفارخان در قندهار، با همکاری سفارت هند در کابل، نشستى را به یادبود از افکار و اندیشه های مهاتما گاندی و خان عبدالغفار خان از رهبران معروف جهان و چهره های ضد تشدد در هتل سرینا در کابل برگزار کردند.

در این نشست، در کنار شماری از رهبران و چهره های سیاسی افغانستان و مقام های سفارت هند در کابل، شخصیت هایی از ایالت خیبرپختونخواه پاکستان نیز اشتراک کرده بودند.

در این نشست، حامد کرزی رییس جمهور پیشین افغانستان ضمن بیان اندیشه و افکار خان عبدالغفار خان و تأثیرگذاری آن، تأکید کرد که این رهبر منطقه، به هدف آگاهی دهی به مردم تلاش های زیادی کرد و زحمات زیادی را متقبل شد.

آقای کرزی در بخشی از صحبت هایش، پاکستان را به ایجاد افراط گرایی در همکاری با امریکا در برابر شوروی و فشار وارد کردن بر هند، متهم کرد و نیز افراط گرایی امروز را ابزاری برای اهداف کشورهای سلطه جو خواند.

رییس جمهوری پیشین، با اشاره به سخنان اخیر بارک اوباما رییس جمهوری امریکا که گفته بود، مبارزه آن ها با تروریسم است، نه با اسلام و از مسلمانان خواسته بود که در برابر افراط گرایی قد علم کنند، گفت: پیام ما به آقای اوباما این است که اگر در برابر افراط گرایی از فشار و زور کار گرفته شود، سبب تشدید افراط گرایی خواهد شد. او گفت که یگانه راه جلوگیری از رشد افراط گرایی این است که امریکا از افراط گرایی به عنوان ابزار برای تطبیق اهداف خویش استفاده نکند.

کرزی ضمن این که طالبان را ابزاری در دست سیاست های پاکستان خواند از این گروه خواست که خودشان را از بند اسارت آزاد کنند و با حکومت کنونی افغانستان وارد گفت و گو و مذاکره شوند.

حامد کرزی با اشاره به گفت و گوهای صلح که اخیراً امیدواری هایی درباره نتایج آن ایجاد شده است، گفت که ما از هر نوع تلاش در راستای ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان حمایت می کنیم و با دولت وحدت ملی در این زمینه همکاری همه جانبه می داشته باشیم، اما می گوئیم که ما صلح می خواهیم؛ اما در برابر آن به کسی تسلیم نمی شویم.

این انتقادات کرزی پس از آن مطرح می شود که رفت و آمد نظامیان پاکستانی به افغانستان در این روزها بیشتر شده و این دو کشور به گونه بی سابقه ای به همدیگر نزدیک شده اند.

این نزدیکی بیش از حد انتقادهای زیادی را به دنبال داشته است. شماری ها اشرف غنی رییس جمهوری را متهم کرده اند که به خواست های تمامیت خواهانه پاکستان تن داده است.

بر کناری مسعود تر سوال...

هستم و در این خصوص قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی هم وجود دارد.

ترشوال ضمن این که موسسات خصوصی را یک فرصت کلان و نجات ده می داند، می گوید: موسسات تحصیلات عالی خصوصی، افغانستان را از بحرانی که حتمی شمرده می شد، نجات داده است.

وی تأکید کرد، من هیچگاهی موسسات تحصیلات عالی خصوصی را «نه کمرگ و نه دوکان» گفتم، بل همیشه آن را به عنوان یک فرصت نجات ده برای

آموزش نیروهای افغان...

به قندهار رفت. وی در جمع ۱۰۰ سرباز امریکایی گفت که کار آنها به عنوان مشاور نظامیان افغان کلید دستیابی به اهداف امنیتی است.

کارتر گفت: ما می خواهیم این مشاوره دایمی و پایدار باشد.

پایگاه قندهار کانون هیات مستشاران نظامی امریکا در منطقه است.

همچنان، رنگین دادفر سپنتا مشاور پیشین شورای امنیت ملی افغانستان در این نشست، بخشی از کشور پاکستان را «سرزمین های اشغالی» خواند و اسلام آباد را به «نژادپرستی» و «افراط گرایی» متهم کرد. او به گونه واضح گفت که سرزمین های آن سوی دیورند اشغالی اند.

آقای سپنتا با اشاره به جایگاه اسلام در بستر سرزمین های منطقه گفت که خشونت در این بستر جای پای ندارد و افراطیت زایدی بازی های سلطه گرایانه است.

او بر اهمیت تفکر عدم تشدد تأکید کرد و آن را از بنیادهای دموکراسی معاصر خواند.

دکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی سومین سخنران این محفل بود. او مهاتما گاندی و خان عبدالغفار خان را دو شخصیت جهانی خواند که برای دست یافتن به آزادی و استقلال به روش عدم تشدد و خشونت دست زدند و بر جهان تأثیر گذاشتند.



او گفت که اهمیت بحث عدم تشدد نشان می دهد که فکر گاندی به عنوان یک شخصیت جهانی، فکر ثابت بوده است و شخصیت های زیادی در جهان از آن پیروی کرده اند؛ از جمله خان عبدالغفار خان.

دکتر عبدالله گفت که دو رهبر در این منطقه یکی مسلمان و پشتون و دیگری هندو و گجراتی، بحث عدم تشدد را مطرح کردند و امروزه این تفکر، این دو شخصیت را به عنوان شخصیت های متعلق به تمام جامعه بشری مطرح ساخته است و برخی ملت ها با اتکا به این اندیشه از بند اسارت نجات یافتند.

او با اشاره به اظهارات حامد کرزی گفت که رسیدن به صلح از نیازها، خواست ها و آرزوهای مردم افغانستان است و گفت و گوهای صلح به گونه شفاف و هدف مند صورت می گیرد و افغانستان تسلیم هیچ کسی نخواهد شد.

در این محفل، افراسیاب ختک از رهبران پشتون پاکستانی به تشریح دیدگاه و اندیشه های خان عبدالغفار خان پرداخت و عدم تشدد را برخاسته از دیدگاه رهبران بزرگی مثل گاندی و عبدالغفارخان عنوان کرد.

او گفت که خان عبدالغفارخان «پشتون والی» را با مدرنیزاسیون آشتی داد و بحث انتخاب، حکومت و تحمل پذیری را مطرح کرد.

آقای ختک گفت که طالبان همه نشانه های افغانیت را مورد هدف قرار دادند و به عنوان ابزار مورد استفاده قرار گرفتند.

امراهه صالح رییس پیشین امنیت ملی افغانستان، در صحبت کوتاهی در این نشست گفت که به کار بردن بحث عدم تشدد امروز خریدار ندارد و با گروه های مثل طالبان، بوکوحرام و داعش نمی شود که از راه عدم تشدد برخوردار کرد.

آقای صالح گفت که گاندی عدم تشدد را به عنوان ابزاری در استراتژی نظامی به کار برده بود.

به باور او، تأثیرگذاری گاندی بالای مردم هند به حدی بود که اگر او در مبارزه با استعمار، بر نیروهای مسلح هند صدا می زد که وارد میدان شوند، مسلماً آن نیروها به صدای او لبیک می گفتند و کار آن حکومت را یک سره می کرد؛ انگلیسها از چنین حالتی نگران بودند و با درک این مسأله لازم دیدند تا به سیاست های عدم تشدد گاندی توجه کنند.

در این محفل، شماری از شخصیت های افغانستانی و پاکستانی دیگر نیز صحبت کرده و افکار و اندیشه های دو رهبر منطقه را ستودند و گفتند که برای رسیدن به دموکراسی، همدیگر پذیری و زندگی مسالمت آمیز باید از افکار آنان پیروی شود.

مهاتما گاندی به دلیل داشتن اندیشه عدم تشدد و دستیابی به آزادی هند از سیطره انگلیس، شهرت جهانی دارد و خان عبدالغفارخان از سران قوم پشتون در پشتونخواه پاکستان، نیز به دلیل هم فکری با گاندی و مبارزه نرم بر علیه تشدد در سطح منطقه شهرت دارد.

خان عبدالغفارخان که به پادشاه خان مشهور است، ۱۲ سال در بند حکومت سابق انگلیس و ۱۵ سال را به دلیل مبارزه علیه تشدد، در زندان حکومت پاکستان سپری کرده بود.

باچا خان از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ یا در زندان و یا در تبعید به سر برد. قبل از مرگ او در سال ۱۹۸۸ در پیشاور تحت بازداشت خانگی بود که پس از مرگ وی به وصیت خودش، او را در خانه خود در جلال آباد به خاک سپردند. ده ها هزار نفر از مردم در مراسم تشییع جنازه او، راهپیمایی از طریق گذرگاه خیبر از پیشاور به جلال آباد، شرکت کردند؛ اگر چه آن راهپیمایی توسط انفجار دو بمب به کشته شدن ۱۵ نفر منجر شد.

با وجود مبارزه سنگین در آن زمان در افغانستان، هر دو طرف درگیر (شوروی- ارتش کمونیستی و مجاهدین) جنگ را در جلال آباد توقف دادند تا مراسم تدفین و به خاک سپاری خان عبدالغفار خان انجام شود.

شوند، از سمت شان کنار زده می شوند؛ بنابراین این اقدام حکومت برای ما سوال برانگیز است.

مسعود ترشوال سه سال پیش از طریق رقابت آزاد به حیث رییس دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی خصوصی برگزیده شده بود.

این درحالی است که بر بنیاد قانون کارکنان خدمات ملکی، هیچ کسی نمی تواند بدون دلیل موجه و قانونی فردی را برکنار کند.

بر بنیاد این قانون، کارکنان خدمات ملکی از مصونیت کامل برخوردار هستند.

نظامی، بالگردها و دیگر هوابردهای امریکایی است. براساس طرح اصلی قرار است نیروهای امریکایی طی سال جاری میلادی این پایگاه را ترک کنند اما کارتر پیشنهاد داده تاریخ بسته شدن این پایگاه و عقب نشینی نیروها مورد بازنگری قرار بگیرد. پایگاه قندهار نقطه آغاز عملیات های ویژه امریکا علیه القاعده و طالبان و همچنین پهپادها و هواپیماهای شناسایی بوده است.

امضای یک توافقنامه بی پیشینه...

می باشد.

همکاری در بخش تحصیلات عالی بین دو کشور، با یک میلیون دالر کمک از سوی افغانستان و وعده دو میلیون دالر دیگر از سوی پاکستان آغاز شد.

قرار است نخستین دانشجویان که شمار شان بین ۵ تا ۱۰ نفر خواهد بود، تا چند ماه دیگر برای آغاز دروس وارد دانشگاه علوم مدیریت لاهور شوند.

سفیر افغانستان در اسلام آباد افزود که انتظار می رود تا دانشجویان دختر و پسر به تعداد مساوی به آن دانشگاه فرستاده شود.

تأثیر روابط سیاسی

گرمی روابط بین کابل و اسلام آباد به این میزان تازه و تا کنون آزمایش نشده تلقی می گردد.

افغانستان از پاکستان می خواهد تا طالبان افغان را به مذاکره با مقامات افغان ترغیب کند. اگر این کار نشود، حمایت سیاسی رییس جمهور غنی به منظور نزدیک شدن با پاکستان با خطر روبرو خواهد شد.

سهیل نقوی، معاون دانشگاه علوم مدیریت لاهور اما می گوید که حتی در صورت بروز مشکلات سیاسی بین کابل و اسلام آباد، آینده این برنامه تحصیلی مصون خواهد بود.

آقای نقوی گفت: «انتظار دارم تا دو کشور در رویارویی با مشکلات قویتر، انعطاف پذیرتر و با درک بیشتر عمل کنند.

به نظرم این برنامه از این هم قویتر خواهد شد.»

هر دو کشور انتظار دارد تا وجوه مالی زیادتر به این برنامه اختصاص داده شود تا زمینه تحصیلات عالی برای دانشجویان بیشتر مساعد گردد.

مسوولان کمیسیون های انتخاباتی...

کمیسیون های انتخاباتی از این اصلاحات هراسان باشند، چون اگر انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی افغانستان می توانست قناعت افکار عامه و طرف های سیاسی را فراهم کند، از نظر سیاسی به بن بست نمی رسیدیم و گپ این کشور تا مرز تجزیه و برگشت به جنگ داخلی و امثال این ها نمی کشید.

در این میان حرف و حدیث های ناگفته ای هنوز وجود دارد از روابط و مناسبات کمیسیون های انتخاباتی با ریاست جمهوری که در آن زمان آقای کرزی رهبری را به دوش داشت و مهم تر از همه دخیل بودن شماری از اعضای ارشد کمیسیون انتخابات رییس پیشین دارالانشای کمیسیون انتخابات - ضیال الحق امرخیل - در این مناسبات سیاسی است. به رغم این که قانون انتخابات و طرز العمل ها و لوائح موجود در کمیسیون انتخابات جانب از نامزدان انتخابات را ممنوع قرار داده بود، اعضای ارشد کمیسیون دست به تقلب زدند.

بنابر این، اگر اصلاحات صورت گیرد و این اصلاحات همه جانبه باشد و بعد از آن بر مبنای سنجش دقیق از ساختار کمیسیون های انتخاباتی و این که در انتخابات ۹۳ چه اتفاقاتی افتاده، بدون تردید یک سلسله حقایق در نتیجه این اصلاحات بر ملا می شود و حتا نزد من که یک سال کامل را در این کمیسیون کار کردم، تأکید من در آن زمان و حال حاضر همین است که بار اصلی مشکلات در دور اول انتخابات ریاست جمهوری از نظر ساختار و تخنیک می تواند خلاصه شود؛ چون در دور اول انتخابات اراده ریاست و کارکنان ارشد کمیسیون های انتخاباتی معطوف به دور دوم کشاندن انتخابات بود، نه این که انتخابات در دور اول به نتیجه برسد.

به همین دلیل یک سلسله کارها هم در وارد کردن مواد انتخاباتی و اوراق رأی در سیستم کمیسیون های انتخابات صورت گرفت و در هم در مدیریت انتخابات در ولایت های نا امن کشور. بنابر این، ریگ های زیادی در کفش مسوولان ارشد کمیسیون های انتخاباتی وجود دارد که با آغاز اصلاحات این ریگ ها بر ملا می شود و ایشان بیشتر از این که نگران از دست دادن وظایف و امکانات به دست آورده شان باشند، نگران ریگ های کفش خودند تا دست نهادهای عدلی و قضایی و مردم افغانستان به گردن آن ها نرسد.

اگر این اصلاحات در نهادهای انتخاباتی وارد نشود، مردم بار دیگر به پروسه انتخابات باور خواهند داشت و با شور و شوق پای صندوق های رأی خواهند رفت؟

دو تا بحث است، یکی این که اگر اصلاحات صورت نگیرد که در دیدگاه نهادهای نظارت کننده داخلی و خارجی انتخابات دیدید که جامعه جهانی برای برگزاری انتخابات غیر شفاف و عادلانه آماده گی ندارد و زمانی که نهادهای بیرونی آماده کمک نباشند ما قادر به برگزاری انتخابات نیستیم.

اگر انتخابات بدون به میان آمدن اصلاحات برگزار گردد و این اصلاحات قناعت افکار عامه و طیف های سیاسی شامل در روند سیاسی جاری در کشور را فراهم نکرده باشد؛ بدون هیچ تردیدی ما شاهد حضور بسیار اندکی از مردم در انتخابات های بعدی خواهیم بود و سرتاسری بودن و شفاف بودن انتخابات هم دچار چالش های کلان خواهد شد، به گونه ای که اگر انتخاباتی هم برگزار گردد، مشروعیت آن به شدت زیر سوال باشد و حتا می شود گفت که مشارکت مردم در حدی باشد که انتخابات مشروعیت لازم خود را از دست دهد.

- بسیار زیاد سپاس از این که فرصت گذاشتید.

سلامت باشید.

رولا غنی در امریکا بین اصلاح و احتیاط گام بر می‌دارد

واشنگتن‌پست

بانوی اول افغانستان با لهجه سلیس فرانسوی، لبخند متواضعانه و لباس غربی ساده‌اش در اولین حضور عمومی پس از گذشت پنج ماه پرهیاهو از روز اولی که همسرش اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان شد، به سادگی توانست خودش را در دل مخاطبانانش در واشنگتن جا کند.

استقبال گرمی که از رولا غنی، همسر اشرف غنی در واشنگتن صورت گرفت به شدت با استقبال از او در وطن تفاوت داشت. رولا به عنوان یک مسیحی لبنانی تبار با داشتن پیشینه مذهبی متفاوت و دیدگاه‌های مدرن، انتقادات سنگینی را از سوی جامعه مردسالار افغانستان متحمل می‌شود.

می‌توان گفت غنی در واشنگتن در خلال مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های اخیرش پیامی کاملاً سنجیده را منتقل می‌کند؛ پیامی که به دقت در آن تلاش شده تا تصویر غنی به عنوان یک فمینیست جنگ طلب مزاحم در بین افغان‌های محافظه کار را از بین ببرد و همزمان نسل جدید زنان، جوانان تحصیل کرده افغان را که به او به چشم یک الگو نگاه می‌کنند ناراحت نسازد.

رخداد چهارشنبه شب که غنی در آن به سخنرانی پرداخت طی سفر دو هفته‌ای او به امریکا صورت گرفت؛ جایی که او دوران بزرگسالی‌اش را در آن گذرانده و دو فرزندش اکنون در آن زندگی می‌کنند. غنی هفته گذشته برای دیدار با بانوی اول سابق امریکا، لورا بوش به تگزاس رفت. بوش سال‌هاست که از حقوق زنان افغانستان حمایت می‌کند. غنی در هفته جاری در واشنگتن هم‌چنین در انجمن‌های خیریه متنوعی شرکت و با دوستان افغانستان و امریکایی خود دیدار کرد.

او همچنین چهارشنبه شب در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی واشنگتن در مقابل ۲۰۰ تن به سخنرانی پرداخت. رولا غنی ۶۶ ساله در پاریس و امریکا درس خوانده و با همسرش در دانشگاه امریکایی بیروت آشنا شده است. او به این مسأله اذعان می‌کند که یک مسیحی است اما جزئیاتی درباره عقاید مذهبی‌اش مطرح نمی‌کند. در عوض او همواره بر شباهت‌های بین فرهنگی لبنانی‌ها و افغان‌ها تأکید و خاطرنشان می‌کند که آموخته تا به زبان عربی عبادت و اظهار نظرانش درباره زنان را از خلال منابع قرآنی و اسلامی مطرح کند.

غنی در ادامه سخنانش با اشاره به رهبران شگفت‌انگیز زن در تاریخ افغانستان اظهار کرد: زنان در اسلام در جایگاه مهمی قرار دارند.

او در سخنانش خاطر نشان کرد که همسر حضرت محمد(ص) یک تاجر قدرتمند بوده و ملکه ثریا نیز به عنوان همسر افغان



کشوری درگیر مواجهه است.

۹۹ درصد اهالی افغانستان مسلمان هستند و تغییر دین در این کشور جرم محسوب می‌شود. به علاوه شکست نیروهای شوروی توسط مردم افغانستان و سال‌های متمادی حاکمیت طالبان در دهه ۱۹۹۰ افغانستان را به جامعه‌ای محافظه‌کارتر از آنچه در دهه ۱۹۷۰ بوده، تبدیل کرده است.

رئیس‌جمهور افغانستان به عنوان یکی از متفکران سابق بانک جهانی اکنون تمایل دارد تا به سرعت فرهنگ رسمی کوتاه فکرا، فاسد و ضعیف این کشور را متحول کند و تاکنون نیز دشمنان زیادی در این مسیر برای خود تراشیده است. در کنار

این، در دوران کاندیداتوری‌اش حتی کمپینی ضد همسرش شکل گرفت. منتقدان هشدار می‌دادند که همسر غنی در پی تغییر مذهب و دیدگاه زنان افغان است. آن‌ها حتی پیشنهاد می‌دادند که اشرف غنی باید از همسرش جدا شود. اما او در روز معارفه به عنوان رئیس‌جمهور جدید افغانستان از رولا به عنوان شریک زندگی‌اش و شخصیتی بی‌نظیر یاد کرد.

رولا غنی در مصاحبه‌های بعدی خود به عنوان بانوی اول افغانستان به دلیل اظهاراتش مبنی بر ضرورت افزایش نقش زنان در تجارت، مشاغل و زندگی عمومی مورد انتقاد گسترده قرار گرفت اما در ماه نومبر با حمایت از رویکرد دولت فرانسه در ممنوعیت استفاده از پوشش نقاب برای زنان مسلمان باعث بروز درگیری‌های لفظی شدیدتری شد. او در سخنانی از ممنوعیت پوشش کامل صورت حمایت و اعلام کرده بود هرگز چنین پوششی استفاده نکرده است. دولت بعدتر برای پایان دادن به انتقادات اعلام کرد که سخنان نقل شده از رولا اشتباه بوده است.

شاه، اصلاح‌طلب دهه ۱۹۲۰ افغانستان از عوامل تأثیر گذار به روز رسانی سیستم آموزشی محسوب می‌شده است.

غنی هنوز هم با کم جلوه دادن قدرتش می‌گوید، نقش جدیدش تنها یاری رساندن به افغان‌هایی است که نیازمند کمک او هستند. او همچنین از زینت کرزی، همسر رئیس‌جمهوری سابق افغانستان برای پنهان شدن از نظار عمومی طی سال‌های متمادی قدرتمندی همسرش دفاع می‌کند و می‌گوید، او نباید به دلیل انتخاب گزینه ماندن در خانه و بزرگ کردن فرزندانش در سکوت و آرامش سرزنش شود.

بانوی اول فعلی افغانستان در سخنانش اما از پرداختن به مسائل مختلف مربوط به حقوق زنان خودداری و اعلام کرد، بسیاری از مسائل موجود مربوط به زنان افغان از جمله سوء استفاده‌های مختلف، اجبار به ازدواج زود هنگام، تبادل عروس و مجازات زندان برای گریختن از خانه متأسفانه به صورت ناعادلانه‌ای از سوی رسانه‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی بزرگنمایی شده است.

او با خنده در این باره توضیح داد: آنها می‌گویند افغانستان بدترین کشوری است که یک دختر می‌تواند در آن متولد شود. مزخرف است!

واکنش‌های متعادلانه غنی هرچند با ظرافت و تفکر صورت می‌گرفت اما این واکنش‌ها نتیجه مستقیم سرزنشی است که او در کشورش با آن مواجه است؛ سرزنشی که معمولاً به دلیل مذهب مسیحی و یا تولدش در خارج از کشور او را هدف قرار می‌دهد و می‌تواند آسیبی بالقوه برای دولت جدید همسر مسلمان محسوب شود درحالی که با اقتصادی شکننده و

اکنون پس از گذراندن دوره‌ی انزوا، بانوی اول افغانستان در هیبتی کمتر بحث برانگیز مجدداً به رسانه‌ها و نظار عمومی بازگشته درحالی که با عنوان بی‌بی گل شناخته می‌شود. بی بی گل یا همان رولا در بیانیه‌های اخیرش اعلام کرده است که دیگر اصراری برای استفاده از سمتش برای به چالش کشیدن افغان‌ها ندارد. او در یکی از مصاحبه‌هایش در این رابطه گفته بود: هدف من ایجاد یک انقلاب نیست. من در این سمت تا به زنان برای انجام نقش مهم خود در خانواده کمک کنم.

رولا غنی در سخنرانی چهارشنبه شب خود سعی کرد تا مرزبندی بین نوع میانه‌روی اسلام را که طی سال‌های دهه ۱۹۷۰ در افغانستان اجرا می‌شد با نوع تندرو آن که توسط طالبان و سایر گروه‌های افراطی اجرا می‌شود، تشریح کند. به اعتقاد او خوانش افراطیون، اسلام واقعی را تحریف کرده است و اکنون زمان آن است تا به پایه‌ها و اصول اولیه اسلام بازگشت.

بانوی اول افغانستان در بیشتر سخنانش درباره کشوری که همسرش مرد اول قدرت آن محسوب می‌شود با اشتیاق صحبت می‌کند و از دانشجویان افغان حاضر در امریکا می‌خواهد تا برای بازسازی وطنشان به افغانستان بازگردند. او تنها در چند نمونه لب به ابراز ناراحتی گشود که به نظر نمی‌رسید از ابراز آن‌ها تعدی داشته باشد.

در یک مورد از این ابراز نظرهای ناگهانی او درباره دو وزارتخانه مهم امنیتی افغانستان ابراز کرد: احترام به زنان در این وزارتخانه‌ها وجود ندارد.

مخاطبان او در مراسم چهارشنبه شب، زنان متخصص و دانشجویان افغان و امریکایی و همچنین گروه‌های مختلف خیریه بودند. بسیاری از آن‌ها از توانایی بالقوه غنی در ایجاد تغییر در جامعه افغانستان هیجان زده بودند و برخی دیگر اعتقاد داشتند که رولا نیز تحت شرایط مذهبی و سیاسی محافظه‌کارانه افغانستان محدود و ناتوان می‌شود.

تلاش‌های غنی برای به تصویر کشیدن چهره‌ی دوستانه و مادرانه ممکن است به او برای مقابله با منتقدانش کمک کند اما سفرهای تنهایی او به غرب بدون استفاده از روسری نشان می‌دهند که او در رویارویی با تاریخ افغانستان قرار دارد. در دهه ۱۹۲۰ زمانی که ملکه ثریا بدون استفاده از روسری به اروپا سفر کرد واکنش محافظه کاران جامعه افغان به حدی منفی بود که مدت کوتاهی پس از این اتفاق همسرش قدرت را از دست داد.



برترین لیگ های جهان و آسیا معرفی شدند

لیگ های اسپانیا و کره جنوبی در جایگاه های برتر جهان و آسیا قرار گرفتند.

کمیته آمار و ارقام فدراسیون جهانی فوتبال به رده بندی لیگ های جهان در سال ۲۰۱۴ پرداخته که خلاصه آن به قرار زیر است.

در بحث جهانی، لیگ اسپانیا رتبه اول و لیگ های ایتالیا و انگلیس در رده دوم و سوم قرار گرفته اند، در گستره آسیا هم لیگ کره رتبه اول و لیگ های عربستان و جاپان نیز در رده های بعدی قرار دارند.



اعلام این دقیقه‌ها، کار را برای شما ساده کردم. به خانه‌هایتان بروید و فیلم بازی را در دقیقه‌هایی که گفتم نگاه کنید. آنگاه متوجه می‌شوید نظر من در مورد این دیدار چیست.

ژوزه مورینیو بر این باور است که بازیکن برنلی به خاطر خطایی که در دقیقه ۶۹ انجام داده باید اخراج می‌شد. او در این باره خاطر نشان کرد: تکرار می‌کنم، دقیقه ۶۹ ارتباط زیادی با دقیقه ۳۰ داشت. یک بازیکن، که اگر بتوانم نام او را بازیکن بگذارم، هم در دقیقه ۶۹ و هم در دقیقه ۳۰ نقش اول را داشت. طبیعی بود که او در دقیقه ۳۱ این دیدار باید در رختکن و در حال دوش گرفتن می‌بود! در دقیقه ۶۹ هم باید همین اتفاق می‌افتاد.

از مورینیو سوال شد که از دست دادن امتیاز در این مسابقه ممکن است در انتهای فصل برایشان گران تمام شود. وی در پاسخ گفت: در پاسخ به این سوال، چیزی ندارم که بگویم. اگر شما به من بگویید داستان دشمنی همه با چلسی که از چند ماه پیش شروع شده، امروز به پایان رسیده است و ما با پنج امتیاز برتری در ادامه فصل به کارمان ادامه می‌دهیم، به شما می‌گویم که چلسی قهرمان می‌شود. موضوع این است که نمی‌دانم این اتفاق‌ها پس از این هم ادامه می‌یابند یا نه.

وقتی از مورینیو پرسیده شد آیا همچنان بر این باور هستید که کمپینی علیه چلسی وجود دارد یا نه. وی در جواب به این سوال عنوان کرد: خوشحالم از اینکه احمق نبودم و همه چیز را همان چند ماه پیش متوجه شدم.

مورینیو:

خوشحالم که احمق نبودم و همه چیز را فهمیدم!



لیورپول مقایسه کرد؛ خطایی که سه جلسه محرومیت برای کاستا در پی داشت. آقای خاص در این باره عنوان کرد: چند هفته پیش و پس از پایان رویارویی با لیورپول در نیمه نهایی جام اتحادیه، زمانی که در کنفرانس خبری پس از بازی حضور داشتم، می‌دانستم که تلویزیون بارها و بارها صحنه‌های مربوط به خطای کاستا را نشان خواهد داد. تیتز خبرها می‌گفت که کاستا مرتکب جنایت شده است. حالا جنایتی که کاستا انجام داده را با خطایی که امروز روی بازیکن من انجام داد، مقایسه کنید.

مورینیو افزود: به عقیده من این دیدار چهار اتفاق داشت. دقیقه ۳۰، ۳۳، ۴۳ و ۶۹. تمام داستان این مسابقه در این چهار لحظه رقم زده شد. نمی‌توانم درباره آن اتفاق حرف بزنم زیرا همه شما می‌دانید برای من سخت است که حقیقت را نگویم. با

سرمربی چلسی تأکید کرد خوشحالم است که چند ماه پیش فهمیده احمق نبوده و کمپینی علیه تیمش وجود دارد!

چلسی در هفته بیست و ششم لیگ برتر انگلیس در استمفوردبرج میزبان برنلی بود که در پایان با تساوی یک بر یک مقابل این تیم متوقف شد.

در این دیدار برانسلانو ایوانوویچ در دقیقه ۱۴ برای آبی های لندن گلزنی کرد اما در دقیقه ۸۱، بن می، گل تساوی را وارد دروازه چلسی کرد تا سهم هر دو تیم از این پیکار، یک امتیاز باشد. برنلی با این تساوی، شمار امتیازهایش را به ۲۲ رساند تا در رتبه هجدهم قرار بگیرد. چلسی هم ۶۰ امتیازی شد و در صدر جدول رده بندی لیگ برتر انگلیس باقی ماند.

در دقیقه ۷۰ این دیدار، اشلی بارنز، هافبک برنلی خطای بدی انجام داد. واکنش نمایان ماتپ، بازیکن چلسی به این تکل، موجب اخراج وی از زمین مسابقه شد.

ژوزه مورینیو پس از این دیدار و در نشست خبری به انتقاد از داور مسابقه پرداخت. وی گفت: برای بخشش ماتپ به اتحادیه فوتبال انگلیس درخواست نمی‌دهم. آیا تاکنون دیده اید رای اتحادیه پس از درخواست بازیکنی توسط چلسی تغییری داشته باشد؟ مورینیو سپس خطایی که بارنز را با خطای دیگو کاستا، مهاجم چلسی روی پاس امره کن، بازیکن

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری و محمد هارون مجیدی
 برگ آرای: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1482 Monday 23 February 2015

DAILY

Mandegar

حشمت‌الله رادفر معاون پیشین کمیسیون رسانه‌های کمیسیون انتخابات:

مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی نگران ریگ‌های کفش‌شان هستند

ریگ‌های زیادی در کفش مسوولان ارشد کمیسیون‌های انتخاباتی وجود دارد که با آغاز اصلاحات این ریگ‌ها بر ملا می‌شود و ایشان بیشتر از این‌که نگران از دست دادن وظایف و امکانات به دست آورده‌شان باشند، نگران ریگ‌های کفش خودند تا دست نهادهای عدلی و قضایی و مردم

افغانستان به گردن آن‌ها نرسد

کفتو کو کنند: هارون مجیدی

یادداشت: انتخابات سال ۱۳۹۳ خورشیدی، افغانستان را تا لبة پرتگاه به پیش برد و صدها میلیون دالر به اقتصاد نوپای این کشور صدمه وارد کرد. عامل این بحران فرسایشی، نهادهای برگزارکننده انتخابات بودند. همین مشکلات در ساختار کمیسیون‌ها، نظام و کارکردهای نهادهای برگزارکننده انتخابات سبب شد تا این انتخابات برنده مشخص نداشته باشد و در نهایت بر بنیاد توافق‌نامه سیاسی دولت وحدت ملی شکل گیرد که یکی از نکات درشت در این توافق‌نامه، بحث اصلاحات در ساختارهای کمیسیون‌های انتخاباتی و نظام انتخاباتی کشور بود؛ اما با گذشت پنج ماه از امضای این توافق‌نامه، رهبران دولت کار عملی در این زمینه انجام نداده‌اند.

برای بررسی مشکلات انتخابات و موارد اصلاحی در نهادهای انتخاباتی، کفتوگویی را با حشمت‌الله رادفر روزنامه‌نگار و معاون پیشین کمیسیون رسانه‌های کمیسیون انتخابات انجام داده‌ایم که اینک می‌خوانید:

- سپاس‌گزاریم که برای این گفت‌وگو وقت می‌گذارید. در نخست اگر بگویید چه عواملی باعث شد تا انتخابات ۹۳ افغانستان به بحران برود؟

عمده‌ترین دلیلی که انتخابات افغانستان به بحران کشیده شد، نگاه دستگاه قدرت به این انتخابات بود. با مهندسی‌یی که در ساختار نهادهای برگزارکننده انتخابات صورت گرفت، افغانستان تا لبة پرتگاه به پیش رفت.

این بحث از تدوین و طرح تعدیلی قانون انتخابات و قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون انتخابات در سال ۲۰۱۳، آغاز شد و بعد از آن هم تا جابجایی افراد و چهره‌ها در هر دو کمیسیون به ویژه در دارالانشای کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی تعقیب شد. عمده‌ترین دلیل در همین ترکیب بود و در نوع نگاهی که دستگاه قدرت به پروسه انتخابات و توقعی که از نتیجه انتخابات داشتند.

بحث دوم این بود که روی هم‌رفته مشکلات تخنیکی سر راه برگزاری انتخابات وجود داشت؛ مشکلات امنیتی در نقاط مختلف افغانستان زمینه را برای تقلب سامان‌مند از جانب دارالانشای کمیسیون انتخابات آماده ساخت که مشکلات امنیتی در واقع حیات خلوتی را ایجاد کرد تا دارالانشای کمیسیون انتخابات و بعد در بحث شمارش آرا و رسیده‌گی به تقلبات انتخاباتی، کمیسیون شکایات انتخاباتی با خیال راحت توانستند برنامه‌های خود را به پیش ببرند تا زمانی که واکنش‌های جهانی و نامزدان انتخابات دور دوم و مشخصاً تیم اصلاحات و همگرایی را برانگیخت.

- چرا دولت‌مردان به انتخابات که یک پروسه مردمی است، چنین نگاهی داشتند؟

اگر گزارش‌های نهادهای جهانی را هم در پیوند به انتخابات‌های افغانستان بخوانید، ما به بسیار دشواری

انتخابات ۲۰۰۴ را تا حدی قابل قبول داشتیم که در لای مصلحت‌های موجود در آن زمان روی آن تأکید نشد و زیاد جدی گرفته نشد؛ اما انتخابات ۲۰۰۹، انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ و انتخابات ۲۰۱۴ هر سه در نتیجه همان نگاهی که در دستگاه قدرت و در رأس آقای کرزی به انتخابات و نتایج آن داشتند شکل گرفت که بخش بزرگی از مشکلات هم برخاسته از همین نوع نگاه بود. نگاه این بود که در انتخابات ۲۰۰۹ به هر قیمت ممکن دوره ریاست جمهوری آقای کرزی ادامه یابد و در انتخابات ۲۰۱۴ بیشتر معطوف به این بود که تیمی بر سر قدرت بیاید تا روابط و مناسبات قدرت که در جریان سیزده سال گذشته، به نحوی تداوم داشت ادامه پیدا کند.

- با توجه به دلایلی که شما از آن یادآوری کردید که سبب شد تا انتخابات شفاف و عادلانه برگزار نگردد و این انتخابات به بحران کشانده شود و انتظار برده می‌شود تا نهادهای انتخاباتی اصلاح شوند، این اصلاحات در کدام بخش‌ها باید وارد شود؟

اصلاحات در گام نخست باید در قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون انتخابات وارد شود و همزمان به آن در قانون انتخابات نیز اصلاحات به میان آید و بعد از آن، اصلاحات می‌تواند موارد زیادی را در بر داشته باشد که از بحث تهیه لیست رای دهنده‌گان شروع تا بسیاری از مسایلی که از نظر ساختاری می‌تواند انتخابات را به چالش بکشد. بحث دیگر، اصلاح ساختار کمیسیون‌های انتخابات و خصوصاً دارالانشای کمیسیون انتخابات و ترکیب این کمیسیون‌ها از رأس تا قاعده است.

مهندسی‌یی که دارالانشای کمیسیون انتخابات در سطح مرکز و در سطح ولایات از نظر ترکیب شده بود، بزرگترین مشکل فر راه سلامت انتخابات بود؛ از آنجایی که در افغانستان احزاب به عنوان اصلی‌ترین شاخص‌های دموکراسی قدرت ندارند و به دلایل مختلف به حاشیه رانده شدند؛ این ترکیب زمینه را برای عصبیت‌های قومی و برخورد قومی، تباری، قشری و سلیقه‌یی از طرف رهبری دارالانشا و کمیسیون انتخابات فراهم می‌سازد که این ترکیب به صورت بسیار جدی هم در مرکز و هم در ولایات بازنگری شود.

فکر نمی‌کنم که حالا زیاد امکانات آن را داشته باشیم تا در نظام انتخابات تغییرات بسیار کلان را وارد کنیم و این نظام را از حالت تناسبی آن به اشکال دیگر نظام‌های انتخاباتی تغییر دهیم؛ اما اصلاحات در درون همین نظام حداقل برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی، به همین گونه ضروری است.

- چنانی که از سخنان شما معلوم می‌شود، این اصلاحات باید در کوتاه مدت به میان آید، با توجه به زمان کوتاهی که به برگزاری انتخابات پارلمان و شوراهای ولایتی داریم، رهبران دولت وحدت ملی این اصلاحات را به



میان خواهند آورد؟

به باور من چیزی که اهمیت دارد این است که یک انتخابات خوب باید برگزار شود؛ انتخاباتی باشد که در گام نخست زمینه‌های اعاده اعتماد و اعتبار مردم را در انتخابات جلب کنیم؛ به این منظور ما به زمان زیادی نیاز داریم که به هیچ صورت زمانی که برای برگزاری انتخابات پارلمانی مشخص شده، برای سال خورشیدی پیش‌رو ما توان و امکان برگزاری انتخابات پارلمانی را نداریم.

باور من بر این است که حداقل برای شش ماه باید انتخابات پارلمانی به تعویق بیفتد تا اصلاحاتی که مورد نظر است، به خوبی عملی شود و مهتر از همه این‌که، نظام انتخاباتی و ساختار کمیسیون‌های انتخاباتی را هم کسانی که در این کمیسیون‌ها وظیفه می‌گیرند و موظف می‌شوند، غیرسیاسی باشند تا ساختار نهادهای انتخاباتی را در بخش‌های اجرایی و اداری دگرگون سازند و اصلاحات لازم را به وجود آورند.

- جناب رادفر! قسمی که دیده می‌شود بسیاری‌ها تنها بالای تبدیل شدن چند چهره در نهادهای انتخاباتی پا فشاری می‌کنند؛ آیا تغییر و تبدیل چند چهره، مردم را برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه باورمند خواهد

ساخت؟

به هیچ صورت. رسوایی انتخابات امسال کار چند چهره خاص نبود. این جا سیستم همه یک طرفه است و با تغییر مهره‌ها نمی‌توان انتظار داشت که یک انتخابات شفاف برگزار شود.

تغییرات در رهبری هر دو کمیسیون از اعضای کمیسیون‌ها گرفته تا دارالانشا و نهادهای اجرایی کمیسیون‌ها در مرکز و ولایات، برای رفتن به طرف انتخابات بهتر کاملاً الزامی است. اما تنها تغییر در چند چهره که شما دقیقاً روی اختلاف دیدگاه میان ریاست اجرایی و ریاست جمهوری اشاره دارید؛ می‌خواهم توجه هر دو بخش دولت وحدت ملی را به موافقت‌نامه‌یی که میان هر دو نامزد امضا شد و اساس شکل‌گیری دولت وحدت ملی پنداشته می‌شود، جلب کنم که هر طرف باید مفردات موافقت‌نامه و به ویژه قسمت‌هایی که به اصلاحات در نهادهای انتخاباتی بر می‌گردد را بازخوانی کنند و عملی کردن مواردی که به اصلاحات اشاره دارد، از الزامی‌ترین‌ها است. اگر در چنین فضایی مطرح شود که رییس جمهور و اطرافیان یک سلیقه دارند و رییس اجرایی و اطرافیان سلیقه دیگر، به هیچ عنوان به نتیجه نمی‌رسیم. - چنانی که شما اشاره کردید، یکی از موارد درشت در توافق‌نامه دولت وحدت ملی، اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی بود که هر دو رهبر تعهد سپردند که با به میان آوردن کمیسیون اصلاحات نهادهای انتخاباتی، به اصلاحات می‌پردازند اما چرا این رهبران بعد از گذشت نزدیک به پنج ماه از ساختن این دولت تا هنوز این اصلاحات را به میان نیاوردند؟

این مورد را من در دو بخش می‌خواهم تحلیل کنم: نخست بحث ریاست اجرایی است که آنان جداً خواهان اصلاحات هستند. چندباری که سخنگویان این بدنه نظام در پیوند به اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی اظهار نظر کردند، مشخص بود که آنان خواهان اصلاحات سریع هستند.

بخش دیگر، به رییس جمهور ارتباط می‌گیرد. دیدگاهی که از طرف آن‌ها مطرح شده معطوف به این بوده که یک مقدار فرو گذاشت کنند و اگر بتوانند طرف و بویژه ریاست اجرایی را قانع سازند تا با اصلاحات محدود کار انتخابات پارلمانی را شروع کنند. تا حد زیادی قابل پیش‌بینی بود و است که طرف رییس‌جمهوری به سختی در قسمت اصلاحات در نهادهای انتخاباتی تمکین کند، همان‌گونه که از فحوای وضعیت معلوم می‌شود در درون همین نظام، ترکیب، ویژه‌گی‌ها و شرایطی که نهادهای انتخاباتی داشتند، تیم تحول و تداوم توانست به یک طرف اصلی قدرت افغانستان تبدیل شود، نه این‌که بخواهند وضعیت تغییر کند و میزان مشارکت مردمی واقعی‌تر و عینی‌تر شود و بحث لویه جرگه، تعدیل قانون اساسی و نظام سیاسی در افغانستان از مواردی است که تیم رییس‌جمهور علاقه چندانی به عملی ساختن آن ندارد؛ در حالی که، برای ریاست اجرایی به عنوان شاه رگ‌ها مطرح است.

- در جریان هفته‌های گذشته کشورها و نهادهای کمک‌کننده هم کمک‌های خود را مشروط به اصلاحات در نهادهای انتخاباتی کردند و اما از طرف دیگر، در نهادهای انتخاباتی از این اصلاحات یکنوع هراس وجود دارد و مسوولان این نهادها هراسان‌اند، به نظر شما مسوولان از اصلاحات ترس دارند؟

البته طبیعی است که اعضای...

ادامه صفحه ۶

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز 20% تخفیف	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$ 60	\$ 48	\$ 36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
3	بزر در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$ 70	\$ 56	\$ 42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$ 350	\$ 280	\$ 210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$ 100	\$ 80	\$ 60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200